

[illegible]

وہابیہ - مغربی شاخ، بارہ ہشتم قرائت

(آقای تدین بترتیب ذیل قرائت نمودند)

وزارت عدلیه - مرکز ولایات و ثبت اسناد پیشنهاد دولت چهار صد و نود و پنج هزار تومان تصویب کمیسیون بودجه چهار صد هزار تومان است

رئیس - آقای رئیسالتجار

(اجازه)

رئیسالتجار - بنده از آقای وزیر عدلیه می خواستم سؤال کنم این میزانی را که برای عدلیه تعیین کرده اند چه میزان برای مرکز و چه میزان برای ولایات منظور شده است

وزیر عدلیه - مقدمه باید عرض کنم از نقطه نظر آرزو و مرام چه از طرف دولت و چه از طرف کمیسیون این مبلغی که برای تأسیس عدالتخانه منظور شده کافی نیست و خیلی کم است و البته مجلس شورای ملی باید آرزومند باشد که در تمام ایالات و ولایات ایران مؤسسات کلی و جزئی عدالتی برقرار گردد تا اینکه بغیر از عهد احقاق حق مردم برآیند و اگر ما این مطلب را از نقطه نظر تشکیلات عدلیه در نظر می گیریم آنوقت نمایندگان محترم هوش چهار صد هزار تومان باید چهار میلیون بودجه عدلیه را تصویب کنند ولی همانطور که تشکیلات مؤسسات عدالتی را نباید فراموش کرد همانطور هم باید تحول و دگرگونی مملکت را در نظر گرفت یعنی در همین حال برای اینکه هر دو طرف قضیه منظور شده باشد باید بقدر وسع و دگرگونی مملکت ادارات عدلیه را تشکیل داد خرد بنده که وزیر عدلیه هستم تصدیق میکنم این مبلغی که برای عدلیه منظور شده فوق العاده کم و عدلیه را دچار زحمت کرده است ولی چون قبل از اینکه وزیر عدلیه شوم مخبر کمیسیون بودجه و از عسرت و مشیق مایه هم آگاه و مطلعم لذا اضافه حقوقی از مجلس شورای ملی تقاضا نمی کنم بنا بر این وزارت عدلیه ناچار و ناگزیر خواهد بود که با هر عسرتی هست مؤسسات خود را در حدود همین اعتبار چهار صد هزار تومان تنظیم تشکیل کرده بودجه جزء آنها را به مجلس بیاورد ولی يك نکته را هم باید عرض آقایان نمایندگان محترم برسانم که اگر بخواهیم همین مؤسسات مرکز و ولایات تناسب فطری منظور کنیم حتما غیر ممکن است آنوقت نتیجه این خواهد شد که در مرکز و ولایات مؤسسات ما ناقص خواهد شد معلوم افراد ایرانی حق دارند از مؤسسات عدالتی استفاده کرده و بهره مند شوند ولی عرض می کنم ما باید بسواً خیالات خود را منوجه و معطوف مرکز نموده اول مؤسسات مرکز را بطوری که شایسته است تنظیم و تکمیل کنیم بعد هر چه مازاد از مرکز داشتیم برای ولایات پیش بینی کنیم آنوقت اگر اتفاقاً مده از ولایات از داشتن عدلیه منظم محروم شوند نباید زیاد متأسف بود زیرا این بودجه فقط برای یکسال است و بغیر میسر است در سال آتی به دامنه او وسیعتر گردد و باز يك عده دیگر از ولایات را شامل بودجه کرد که کمالاتی برای تأسیس و تشکیل کنیم بنده امیدوارم با مساعدت مجلس شورای ملی و جدیت آقای رئیس الوزرا تحصیل عدلیه نمودن و سال جدید

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

باخر نرسیده مقداری بر بودجه عدلیه اضافه کنیم ولی عجلاناً با این عسرت مالی پیش از این ممکن نیست

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم توجه دولت مخصوصاً وزارت عدلیه را باین مطلب منوجه کنم با اینکه باید نصایح آقایان را در نظر گرفت و از زمان گذشته نباید صحبت کرد لیکن خواستم در نظر آقای وزیر عدلیه معین شود که در آتی يك فکری برای اضافه عایدات عدلیه بکنند ، بطوریکه بنده از عسرت اطلاع دارم وقتی بودجه برای عدلیه فارسی معین شده بود بود و با این پول با اضافه اینکه حقوق اجزاء و دردمند یکدل عدلیه آنجا چه هزار تومان کار کرده و این هم از ده يك و ده يك و نیم مرسوم اجرائی اعضاء کاملاً پرداخته شد مقداری هم صرف تعمیر مارت عدلیه شد - بدینسانه وقتی که آمدند و برای عدلیه فارسی بودجه معین کردند بیشتر از یک هزار و هشتصد تومان عایدات آنجا نشد این را خواستم عرض کنم که دخل عدلیه یعنی آن حقوقی که بر حسب قانون تعیین شده است چهل و هشت هزار تومان بیش بینی شده و خرجش را بطوریکه کمیسیون بودجه معین کرده و صورت داده است چهار صد هزار تومان است استدعا دارم توجهی بفرمایند و ببینند خرج چه اندازه دخل چه اندازه است یعنی بودجه را که برای ولایات معین می کنند عایدات آنها را با عایداتی که در سال قبل یعنی در موقعی که آن ولایات بودجه نداشته بقایا بفرمایند و ببینید چقدر تفاوت است حالا بنده فارس را در نظر گرفته ام جای دیگر هم از قبیل خراسان و غیره هست که بهینطور است نه اینکه از این کلمات بنده کسی سوء استفاده کند و خیال کند که مقصودم این است که دولت یکسای اجازه ندادی بعد نه اینطور استفاده نشود وقتی که دولت مأمور روانه نکرد و با حکم وزارت داد و گفت برو تشکیلات بده و اگر دزدی و خلاف قانون حکری مجازات می شود حقوق خرد را هم از عایدی محل بردار آنوقت عایدی ایالات و ولایات خیلی بیش از این ها میشود بخیر و محال خاطر آقایان را منوجه کنم که علت چیست در وقتی که ایالات و ولایات بودجه مرتب ندارند آنطور عایدی پیدا می کنند حالا که بودجه برای آنها معین می شود اینطور کسر می شود بقیده بنده علت این است که اعضاء عدلیه مرکز و ولایات بمجرد اینکه فهمیدند از صندوق مایه با آنها حقوق داده می شود بهیچوجه در بند اجرای احکام نیستند و متذعین مجبور خواهند شد که با هم ساخته و برصاف و صفا مسئله را بین خود خاتمه دهند و اجرا نمیرسد حکم دولت حقوق خود را از آنها بگیرد چنانچه خود بنده نظائر این مسئله را در شیراز دیدم قرض بنده این است با اینکه چهار صد هزار تومان میدهم اگر باز حقوق دولت با مال شود بنده با این ترتیب موافق هستم

رئیس - آقای ذبح الدوله مخالفید؟

فتح الدوله - بلی مخالفم

وزیر عدلیه - بنده می خواستم چند کلمه

دوره چهارم

معاکمی که مواج آنها در بودجه پیش بینی شده باشد نیستند تصور می کنم این یکی از اصول مسلمه باشد اساساً یا مسکه نباید در ولایات تأسیس نمود یا اگر تأسیس می شود باید با حقوق باشد و علت تفاوت عایدات عدلیه فارس کا اشاره بآن فرمودند بیشتر اسباب عسرت و خوشوقتی بنده شده - زیرا علتش با خود است بجهت اینکه مسکه که مطابق بودجه حقوق نداشت مجبور می شود زحمت بکشد و هر طور هست برای خودش تحصیل حقوق کند بدون اینکه گفته باشد حقوق ماخوذه از کجا و به وسیله استولی بمجرد اینکه اعضاء عدلیه را موظف کرد بدو حقوق قضات را معین نمود بد آنوقت آنها با فراغت بیشتری مستقیماً می توانند بوظایف خود عمل کنند و در بند نیستند که از يك عایدات دیگری برای خود عایدی کنند اساساً عدلیه را از نقطه نظر عایدات نباید در نظر گرفت و بقیه بنده هر چه عایدات کم شود بهتر است زیرا عدلیه جایی نیست که از نقطه نظر زیادی و کمی عایدی باو نگاه کنیم و بنا بر این خوب است همیشه عدلیه ها در ایالات و ولایات تأسیس کنیم که مخارج آنها با دولت باشد

رئیس - آقای رکن الملک

(اجازه)

رکن الملک - بنده نسبت باین اعتباری که وزارت عدلیه داده شده مخالف بوده ام ولی بعد از این فرمایش آقای وزیر عدلیه که فرمودند همین مبلغ قناعت می کنیم دیگر نظامنامه داخلی به بنده اجازه نمی دهد چیزی عرض کنم یعنی اضافه و پیشنهاد کنم

وزیر عدلیه - این نکته را عرض می کنم که سوء تفاهم نشود بنده خود از نقطه نظر تأسیسات عدلیه عایدات را غیر کافی می دانم و آرزو دارم در عوض چهار صد هزار تومان چهار میلیون تصویب شود ولی چون فراموش نمی کنم کفایت از وزارت عدلیه يك وزارت مایه هم هست که عایدات او با تشکیلات مخارج کافی نیست لذا عرض کردم که فقط با این بودجه قناعت می کنم

رئیس - آقای فتح الدوله

(اجازه)

فتح الدوله - بنده در ضمن مذاکره ماده متهم مخالفت نموده و آقای آسید یعقوب يك اشاره فرمودند که در این موقع از ماده هشتم هم استفاده و عرض می کنم اگر بنده در اظهار عقیده خود آزادم همانطور که از نقطه نظر زیادی می توانم مخالفت کنم از نقطه نظر کمی هم می توانم مخالفت کنم با سویی می توانم معتقد باشم که يك بودجه کم است یا يك بودجه زیاد است دیگر نباید به بنده حمله کنند که چرا گفتی فلان بودجه کم منظور شده اگر عقاید آزاد است و زیادی و کمی هر دو آزاد است اما در موضوع تشکیلات عدلیه آقای وزیر عدلیه فرمودند از نقطه نظر مردم اگر بخواهیم باین بودجه نگاه کنیم کافی نیست بنده خدمتشان عرض می کنم از نقطه نظر عمل هم کافی نیست صراحتاً

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره چهارم

بوده متذکر میشوم و آقایانی هستند که شاهد قضیه می باشند

آقای سلیمان میرزا و آقای وزیر عدلیه در دوره سوم مجلس تشریف داشتند که خود بنده در آنوقت به سمت کفالت عدلیه به مجلس شورای ملی آمدم و در آن وقت ابتدا در هیچ جا غیر از شهر تهران عدلیه نبود که يك بودجه مرتبی داشته باشد خود بنده در آنوقت از مجلس تقاضای بودجه کردم و اتفاقاً تصویب هم شد ایراداتی که بمن کردند شاید الان اگر مراجعه فرمایند درجای روزنامه ها باشد - يك ایراد عده آقایان این بود که میگفتند فرضاً که آمدیم تحصیل پول کردیم اشخاص را شما از کجا خواهید آورد این را عرض کردم که آقایان مستعضر باشند و بدانند اول کسی که تقاضای بودجه برای دوائر عدلیه کرد بنده بودم و این بودجه هم که فعلاً هست بنده در زمان وزارت خود ترتیب دادم و برای هشت حوزه استثنائی و بیست و يك مسکه ابتدائی بنده بودجه پیشنهاد نموده و اجرا نمود ولی اگر درست تعمق بفرمایند ملاحظه خواهید فرمود که باز هم ناقص است زیرا بیست و يك مسکه ابتدائی و هشت حوزه استثنائی برای تمام این مملکت کافی نیست و تا بحال هم که يك وجوهی خرج میشد يك عده تناسی بین نقاط مختلفه این مملکت بود

در صورتیکه دلیل نداشت نقطه بر نقطه دیگر رجحان و امتیاز داشته باشد زیرا اگر خوب بود باید در عرض تعمیم بکنید

حالا از نقطه نظر اقتصاد آیدیم و مقداری از بودجه عدلیه را کسر کردیم ناچار بایستی همانطور که آقای وزیر عدلیه فرمودند در حدود این چهار دیواری که برای وزارت عدلیه مقرر شده بودجه ترتیب دهند و شاید بتوانند تشکیلات مرکزی را هم نوری تغییر و تبدیل دهند زیرا ممکن است معتقد شد که بعضی چیزهای زیادی هم در مرکز هست که بشود کم کرد

البته بعد از مطالبات خود آقای وزیر عدلیه رفت خواهند نمود و در صورت امکان عمل خواهند فرمود ولی قسمت عده که صدمه خواهند خورد بر بودجه ولایات خواهد بود

بهر حال از نقطه نظر اساسی مقدم بر همه چیز تعدیل موازنه جمع و خرج است پس باید خود را راضی کنیم که اقلاً برای مدت یکسال تأسیسات موجوده قدری کمتر و کوچک تر بشود مثلاً در بعضی جاها که مسکه استیفاء هست مهمل به مسکه ابتدائی شود و برای دادن استیفاء اهالی به مجلس دیگری بروند ما باید این را تحمل کنیم برای اینکه اول قدم اصلاح برداشت شود و بین جمع و خرج موازنه و تعدیل حاصل آید

بناظر دارم که يك روزی یکی از وکلا گف که تا ما باین مقصود نرسیده ایم هیچ نداریم استقلال نداریم و در میان جامعه مال دارای هویت نیستیم پس ما باید امروز تمام مساهمی خود را صرف کنیم که موازنه در

جمع و خرج حاصل شود بعد اگر عایداتی در بین سال پیدا شد بنده منظم اول مؤسسه ای که حق تقدم دارد وزارت عدلیه است

برای اینکه مسئله معارف و عدلیه اول چیزی است که ما باید تعقیب و تعمیم بکنیم بودجه معارف بعد از عدلیه حالا قدری توسعه پیدا کرده ولی وزارت عدلیه که نسبتاً بودجه اش کمتر است حق تقدم دارد و اگر پولی برسد راجع بوزارت عدلیه خواهد بود بنابراین از آقای فتح الدوله که باینده همکار بودند استدعا دارم باینده موافقت فرموده از رفقای عدلیه خودمان تقاضا کنیم که چندی صبر و تأمل کنند و بگذارند این قدم بزرگی که دولت با مساعدت مجلس برداشته بانجام رسد که اسباب مساوت فراهم آید

رئیس - مذاکرات در این باب کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

پس رأی می گیریم بماده هشتم آقایانیکه

این ماده را تصویب می فرمایند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد چون آقای مخبر یادداشتی داده اند که در مواد راجع بوزارت معارف و خارجه و فواید عامه امشب مذاکره نشود بعضی از آقایان هم سؤالاتی از هیئت دولت دارند اگر مخالفانی باشد بقیه مذاکرات این رایورت بماند برای جلسه بعد (جمعی گفتند صحیح است) آقای رکن الملک از آقای وزیر عدلیه سؤالی دارند

رکن الملک - از قرار مسوع احکام زیادی

در اداره اجرای عدلیه متراکم است که مفاد آنها اجرا نمی شود البته آقای وزیر عدلیه تصدیق می فرمایند که مقصود اصلی از تشکیل محاکم عدلیه و تعدیل مخارج فقط برای احقاق حقوق مردم است که در نتیجه مردم از حقوق حقه خود بهره مند شوند و وسیله احقاق حق آنها هم تنها اداره اجراء است خواستم از ایشان سؤال کنم این مسئله حقیقتاً در عمل چیست که احکام اجراء نمی شود

وزیر عدلیه - خود بنده هم وقتی داخل در

عدلیه بودم می شنیدم احکام زیادی در اداره اجراء موجود است و اجراء نشده است بهین ملاحظه یکی

از چیزهایی که در روزهای اول خواستم ملتفت شوم همین مسئله بود و ناگزیرم این را هم عرض کنم که کلیه در وزارت عدلیه مدرک عایدات منحصر بقانون باشد و کلیه مسائلی که مجوز قانونی نداشته باشند لغو است باین ملاحظه بود که صورتی خواستم و احکامی را نزد بنده آوردند و علت اینکه تاکنون اجراء نشده برای این بود که بشکلائی برخوردند نظر باینکه بنده مسئولیت ادوار گذشته را ندارم نمی خواهم هل آنرا ذکر کنم با اینحال بنده حکم کردم هیچ چیز جزء مجوزات قانونی مانع از اجراء احکام عدلیه نباشد (گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای رئیسالتجار آقای وزیر امور

خارجه را از مفاد سؤالاتان مستعضر کرده اند ؟

بوده اهمیت فوق العاده را نداشت ولی باید قابل توجه بود که باین وزارتخانه در این مملکت باید اهمیت زیادی داد و قدم اول ما باید حفظ و نگاه داشتن این مؤسسه باشد .

در کپسیون بودجه هم اول مخارجی که فقط میشود گفت مخارج اداره کردن ادارات آنجاست در نظر گرفته شده است و اگر هم این ادارات بسیار وزارتخانهها ملحق شود مخارجی که از این بودجه کسر خواهد شد خیلی جزئی است و قابل اهمیت نیست فقط همان حقوق وزیر یا رئیس کابینه از بین میروند و باقی مخارج بجای خود خواهد ماند مثلاً مدرسه فلاحت هر کجا باشد خرج دارد یا اداره معادن مماری و غیره در هر وزارتخانه باشد همین بودجه را خواهد داشت باین ملاحظه تصور می کنم نباید مشکل کرد و این بودجه مختصر را باید تصویب نمود

ی البته صحیح است و باید تا کدیم کرد و یقین دارم هیئت دولت با تغییر اصولی که وزارت قوانین و اساسات به آن موافق است و موافق است و البته تئیت آنجا را قسمی که لازم یک وزارت خانه یقینی است مرتب خواهند نمود.

رئیس - نسبت باین رایوت مخالفی نیست
آقای مدید یعقوب - بنده مخالفم
رئیس - پس میماند برای جلسه دیگر بعضی مذاکرات
از ماده نهم ضمیمه بودجه شروع میشود .

پس آنکه روز شنبه یکساعت بغروب دستور هم بقیه
اناکرات راجع بپودج خواهد بود
رئیس الوزراء — درموقی که مذاکره در
نون استفاده شد نتوانستیم عرض کنم خوب است قبل
آنکه در کمیسیون مذاکراتی بشود به هیئت دولت
راجه شود که دولت مطالعاتی نموده بعد بکمیسیون
راجع شود و در کمیسیون هم البته نماینده دولت حضور
راهد داشت.

ف من گند پوش را باید خودش بدهد ولی در
نزد اداره تلگرافخانه اینطور قابل شده است
از طرف رعایا شکایت نیست بوزراء و حکام
پوش را رعایا و مظالمین باید بدهند و جوات
من هم که از حکام می رسد استثنائات بول جواب
میت باید بدهد این مخالف قانون است. خواستم
بکم که آقای وزیر پست و تلگراف رفتی فرموده
نزد ترتیب از بین برداشته شود و رعایای بدبخت
بوند و از برای آنها هم یک راه تنظیم و شکایتی
باشد؟

یئرپرست و نلگراف - چون سابقہ باین
ارم خواہش میکنم جواب این فقرہ دامو کول
دفعہ ماہیہد .

مس - چون قانون استخدام يك موضوع
نادر آفایان نقاضا میکنم بزودی کمیسیون
داده و رایورت خود را برض مجلس برسانند
از کمیسیون قوانین مالیه نقاضا میشود قانون
ی کمیته ای است بگم کمیسیون فرستاده شده و در
مجلس مایل مانده رایورت آنرا هم تهیه
مجلس بفرستند.

رئیس - ارسال خواهد شد
(مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد)

صورت مشروح مجلس يوم پنجشنبه
سيزدھم دلو هزار و سيصد مطابق
چهارم جمادی الثاني هزار و
سيصد و چهل

مجلس یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست
ای معتمد الیک تشکیل گردید
صورت مجلس یوم سه شنبه یازدهم دالورا آقایی
ن قرائت نمودند

رئیس - نسبت به صورت مجلس اعتراضی
نہیازہ •

رکن الملک - آقای قوام الدوله را در صورتی که غائب بدون اجازه نوشته اند در صورتی که نکالت مزاج داشتند گویا به هیئت رئیس هم داده اند این جلسه هم بواسطه نکالت مزاج هستند حاضر شوند

رئیس - اطلاع نداده اند ولی اصلاح میشود.
 و
 خ
 ر
 د
 ای
 د
 رئیس دیگری نیست گفته شدیم؟ (صورت مجلس با
 اصلاح تصویب شد دستور امروز بقیه مذاکرات
 بیروت کمسیون بودجه است ولی بک فقره راپورت
 مهم سوم راجع بنایندگی آقای مخیرالسلطنه
 قبل رسیدہ بود و بنامش قدری بتعویق افتد اگر
 فی باشد فعلا جزء دستور بشود. مخالفی نیست؟
 غیرت (نشد)

آقای جلیل‌الملک - احضار برای قرائت راپورت
جلیل‌الملک راپورت شعبه سوم را جمعی می‌نماید.

رئیس - آقای آقا میرزا ابراهیم فی
(اجاز)

افا میرزا ابراهیم - بنده به تربیتی که
کنون وزارت فوائد عامه اداره می شده هم با
ارتخانه مخالفم هم با این اعتبار زیرا کار وزارت
اند عامه فقط اجازه دادن دو سه ملیون و اداره
ردن یک مدرسه فلاحی و یک قدری بنای های دولتی
ت و کار دیگری ندارد.

بسته معتمد که شعبات وزارت فوائد عامه پرود
ارت خانه‌هایی که متناوب با او است مثلاً مدرسه فلاحت
وزارت معارف و آن اداراتی که از قبیل اداره
من است و هایدی دارد پرود وزارت مالیه و شعبه
در تمام رجوع بشود وزارت خارجه حاصل اینکه
یولی که وزارت فوائد عامه داده میشود بسته
ندم زیادی است یعنی ما باین ترتیبی که امروزه
میشود والا اگر این ترتیب نباشد و اصلاحاتی
د بسته مخالفت ندارم ولی وزارت فوائد عامه را
این ترتیب لازم ندانم.

مختصر - بنده غلبی متأسف هستم که هیئت
ت و نمایندگان قوه مجریه حاضر نیستند که
ب آقای قمی را چنانچه وظیفه دولت است داده
ع از اعتراض ایشان کرده باشد ولی همینقدر
معترض معتررا متذکر می گنم باینکه آقای
الوزراء که چند روز قبل از این تشکیل کابینه
اند و یک وزیر فوائد عامه معین نموده اند در صورتیکه
افظهارات هم راجع بوزارت فوائد عامه سابق
بود ناچار یک نظریه داشته اند و حالا متأسفانه
ف ندارند که مداخله فرمایند

بلی وزارت فوائد عامہ آج طوریکہ تاجرا

رئیس - آقای حائری زاده شما مخالفید
حائری زاده - بلی بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید

حائریزاده - بنده نمی دانم مقصود از این ابرت فوائد عامه چیست و برای چه تأسیس شده و اگر وزارت ملی است که عایدی برای دولت تهیه میکند قایم می هم مقبدهم و باید جزء وزارت مالیه بشود و جمع آوری عایدات با وزارت مالیه خواهد بود و بنده گداردن چند معادن و گرفتن مبلخ جزء البور کار مهمی نیست که وزارت خزانه مالیه لازم است باشد اینکه آقای مخبر میفرمایند وزارت فوائد وجودش برای مملکت ما لازم است یا این خزانه کدام نابود را بود کرده کدام کار را برای اداره های مملکت تهیه کرده کدام معدنی که خراب و مسائل آباد شدنش را فراهم کرده کدام راه را درست کرده بالاخره وزارت فوائد عامه خیلی کارها باید بکند و آنوقت هم این بودجه خیلی کمی است ولی چون حالا عایدی ما افتضا کنند و بحال بدبختی هستیم خوب است معائنات فوائد عامه حذف شود و تا انشاءالله وقتی که ماکفایت کرد یک بودجه بهتری که برای وزارت عامه مناسب و کافی باشد معین کنند که یک کار خوب برای این مملکت بکنند والا اگر با این حاله ما باسم وزارت فوائد عامه یک مخارجی شویم هیچ ازدمی ندادد صورت عایدات وزارت عامه درسته قبل پنجاه و دو هزار تومان بوده است و در هشت هزار تومان مخارج و بودجه آنجا شده و امروزه هشت هزار تومان بودجه فوائد عامه را اند این یک کار غلطی است آیا هیچ تاجری جمع آوری پنجاه و دو هزار تومان عایدی شصت

هزار تومان مخارج می کند ما این نقشه را که تنظیم میکنیم خیلی نقشه غلطی است ما باید چیزهای اصلی را مقدم بداریم و بایام بدبختی خودمان ادامه ندهیم برای جمع آوری پنجاه و دو هزار تومان شصت هزار تومان مخارج نکنیم بقیه بدهنده فلا خوب است وزارت فوائد منحل شود و حق المهور هم از مردم نگیرند معاون هم آزاد باشد که هر کس بخواهد برود کار بکند نه اینکه پنجاه و دو هزار تومان عایدی برای ما تهیه بکند و شصت هزار تومان خرج و شریک منافع مردم باشد همینطور که عرض کردم اگر نا بودی را بود میسر کرد یا یک معدن خرابی را اصلاح می نمود یا یک راه شوسه تهیه میکرد یا خط آهن ایجاد مینمود و وجودش لازم بود نه اینکه دسترنج دیگران را از آنها بگیرند مثلاً معدن زاج و دیز در آن یک زرد خشتی اجاره کرده و درهای بدبخت عایدی استخراج آنها را بدون جهت از آنها بگیرد و بالاخره عرض میکنم که وزارت فوائد عامه همانا زیادتی است و باید منصف شود برای اینکه هر سبزی فروش میدانند که برای پنجاه و دو هزار تومان عایدی شصت هزار تومان مخارج غلط است.

هر وقت که عایدی زیادی پیدا کردیم و توانستیم راه آهن و راه شوسه درست کرده و معادن استخراج کنیم آنوقت وزارت فوائد عامه هم تأسیس می کنیم ولی همانا با باید بوزارت مایه ملحق شود یا جزء وزارت معارف بشود.

رئیس - آقای فهیم الملک موافقت.

فهیم الملک - بنده موافقم ولی اگر ممکن باشد آن پیشنهادی که کرده ام.

رئیس - آقای فهیم الملک پیشنهاد نموده اند که مذاکره در ماده (۱۰ و ۹) بماند تا موقعی که هیئت دولت تشریف بیاورند و بالفعل راجع بپایه یازدهم مذاکره بشود.

(بعضی اظهار نمودند چرا حالا مذاکره نشود)

رئیس خطاب به آقای فهیم الملک اگر توضیحی دارید بدهید.

فهیم الملک - عرض می کنم در این ماده نهم پاره مطالب است که لازم میدانم از آقای وزیر توضیح بخواهم مثل آنکه در جلسه قبل هم دوموقع مذاکره در ماده راجع به پست و تلگراف از آقای وزیر پست و تلگراف توضیحات خواستم و همانطور که پیشنهاد کردم چون ماده یازده راجع بوزارت معارف است و راپورتش مشروحاً نوشته شده کمان می کنم محتاج توضیحاتی نباشد بهترین است که در ماده نهم و دهم مذاکره شود تا هیئت دولت تشریف بیاورند.

رئیس - آقایان با پیشنهاد ایشان موافقت

مخبر - بنده می خواهم بدانم توضیحی که آقای فهیم می خواهند راجع به چیز است؟ اگر راجع بانقلاب جزم بوده است خوب است بفرمائید شاید خود بنده جواب ایشان را بتوانم عرض کنم.

فهیم الملک - اولاً موافق عقیده آقای حائری زاده نه فقط وزارت فوائد عامه بلکه هیچ وزارت خانه

رئیس - داخل در اصل موضوع می شوید یا در پیشنهاد مذاکره میفرمائید

فهیم الملک - در اصل موضوع

محمد هاشم میرزا - پیشنهاد موضوع ندارد **فهیم الملک** - وزارت فوائد عامه که وزارت تجارت هم جزء آن است یکی از وزارت خانهائی است که وجودش خیلی لازم است و فقط برای دولت خرج دارد باید دولت مؤسسات تجارتی تهیه کند و مأمورین تجارتی با طرف بر سرست تأثیرات واردات و صادرات مملکت را تهیه نموده و اطلاعات کامل از صادرات و واردات مملکت پیدا نموده و کارهایی تهیه کند مثلاً باید تأسیس کارخانجات و راه آهن نماید که هم برای مردم کار تهیه شود هم برای دولت محل عایدی باشد و دلیل ندارد این وزارتخانه از بین برود زیرا اگر یک بنائی خانه را خوب نسازد نباید گفت اصلاً خانه نباید ساخت و خانه را بکلی نابود کرد خیر باید بنای بهتری آورد تا خانه را خوب بسازد. بنده وزارت فوائد عامه را خیلی لازم میدانم و در زمان وزارت آقای میرزا حسین خان علانی هم بنده در بعضی ترتیبات وزارت فوائد عامه کمک میکردم و مدروسه فلاحه که تأسیس شده به تکرش خود بنده بودم باید پروگرام مخصوص و یک مدتی هم خوب کار میکرد حالا اگر ترتیبات را بهم زدند و مدرسه را از بین بردند و کرج را اجاره دادند امر علیحد است و تقصیر کارکنان وقت است آن وقتی که ما این ترتیبات را دادیم در نظر داشتیم که چندین مدرسه مثل کرج تأسیس کنیم ولی آن ترتیب از بین رفت و مساعده می هم از طرف دولت اساس این کار نشد. اما راجع باین بودجه فعلی مطابق توضیحاتی که از آقای وزیر پست و تلگراف خواستم این جا هم می خواهم از آقای وزیر فوائد عامه توضیح بخواهم که راههای شوسه که موافق قرارداد روس ایران واگذار شده و همچنین راه شوسه سیستان و غیره که انگلیس ها تهیه کرده بودند و سایرین واگذار شده در این بودجه اشاره بآنها نشده و این راهها از قبیل راه شوسه گیلان و فرمتو که هر کدام روزی دوهزار تومان عایدی دارد بوده آنها در کجا نوشته شده آیا جزء این بودجه است و مخارجش جزء همین شصت هزار تومان است یا خیر. و به ترتیب اداره میشود در اینجا معلوم نیست و بنده نمی فهمم چه میشود و در تحت اختیار کی است نمیدانم آقای مخبر می توانند جواب این توضیحات را بدهند یا خیر

مخبر - توضیحاتی که آقای فهیم الملک خواستند آنچه بنده استنباط کردم راجع به راههای جدیدی است که تازه بدولت ایران واگذار شده و راجع به طرز اداره کردن و عایدی آنها است البته تصدیق میفرمائید قسمت راجع به عایدی آنها چون بودجه جمع از روی بودجه سال بیجی نیل نوشته شده و در آن سه عوائد این راهها در دست دولت نبوده ولی گمان می کنم این بودجه که در اینجا نوشته شده باید در نظر گرفتن این راههای جدید است و همین اندازه تصور میکنم برای ما در موقع تصویب بودجه کافی باشد و اما راجع به قسمت دیگر که حسن اداره یا سوء اداره راهها است و ترتیب جمع آوری عایدات یا تعیین حق المهور که از روی چه ماخذ و به ترتیب تمرکز پیدا میکند این را بندهم میشود از وزارت فوائد عامه سؤال کرد و توضیح خواست خود بنده هم از نقطه نظر شخصی می توانم عرض کنم که با این ترتیب اداره کردن امروزه مغالطه چرا که به بودجه فراصحبی در اداره کردن و جمع آوری عوائد این راهها در بین نیست و این ترتیب یک مضراتی هم دارد که ممکن است این راهها باید یک مخارج گزافی که ساخته شده از بین برود البته باید یک قراض صحیحی در این موضوع گذاشت ولی البته تصدیق میفرمائید که مورد این مذاکره در موقع تصویب بودجه خرج نیست. ممکن است بعد از آقای وزیر فوائد عامه سؤال کنیم و اگر نظریاتی داریم با ایشان گفتا کنیم.

رئیس - آقای سلطان العلماء مخالف هستید؟
سلطان العلماء - بلی باریورت مخالفم
رئیس - بفرمائید

سلطان العلماء - البته بنده تصدیق میکنم که وزارت فوائد عامه در مملکت یکی از مؤسسات مهمه است و لفظ فوائد هم جمع مکرر است چنانچه در ممالک متدینه دنیا هر جا که این وزارت خانه را دارند منافع کثیره از فوائد عامه میبرند و بیشتر هوائی منافع دولت را وزارت فوائد عامه تهیه میکند اما در مملکت ما چنانکه در موقع مذاکره در پروگرام هم عرض کردم این قضیه موضوع مصداقی است و چنانچه در اغلب ممالک دنیا این وزارتخانه جزء بعضی وزارتخانههای دیگر است و سابق بر این در ایران هم وزارت فوائد عامه جزء وزارت پست و تلگراف بوده و در دوره سوم از هم جدا شدند و همانطور که عرض کردم در بعضی ممالک دنیا پست و تلگراف و فوائد عامه بلکه بعضی مشاغل دیگر دولتی را هم یک وزارت خانه اداره می کنند.

مخبر - در کجا اینطور است؟
سلطان العلماء - البته تصدیق میفرمائید که مؤسسات هردولتی برای رفاهیت فقرا و کار پیدا کردن برای آنها است حالا که ما وسائل برای ایجاد صنایع و کارخانجات و استخراج معدن و راه سازی و غیره نداریم خوب است وزارت فوائد عامه و پست و تلگراف چنانچه قبلاً هم یکی بوده حالا هم یکی باشد تا بعد اگر

انشاء الله موفقیت پیدا کردیم و کارهای خوبی توانست وزارت فوائد عامه بکند آنوقت مجدداً تأسیس شود اما فعلاً چون کار زیادی ندارد وزارت پست و تلگراف می تواند این کارها را بدهد دار شود چنانچه سابق هم اینطور بوده و در اغلب ممالک دنیا هم همینطور است.

مخبر - در کجا؟

سلطان العلماء - در فرانسه همینطور است
مخبر - خیر، اینطور نیست

سلطان العلماء - هست همانطور که عرض کردم وجود فوائد عامه برای تکثیر عایدات است که از این منافع کثیره راه بسازد و ایجاد صنایع و استخراج معادن بکند ولی همانا که ما اینجا را نداریم یعنی وسائلی درست نداریم خوب است فوائد عامه هم جزو وزارت پست و تلگراف بشود این است نظریات بنده حالا اگر آقایان نظریات دیگری دارند بفرمائید شاید بنده هم قانع شوم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا موافقت؟
محمد هاشم میرزا - بلی
رئیس - بفرمائید

محمد هاشم میرزا - بنده عرض میکنم که آقایان تصور فرموده اند وزارت فوائد عامه یک تشکیلات جدید و تأسیس تازه است در صورتی که از زمان مرحوم امیرالسلطنه و مخبرالدوله در سنه ۱۲۹۰ وزارت فوائد عامه بوده حتی مدتی هم کارهای فوائد عامه به چند وزارت تفرقه شده بود وزیر معادن داشت وزیر تجارت داشت و بالاخره در دوره مشروطیت که عهد وزراء را به هفت نفر محدود کردند ناچار یک چندی وزارت فوائد عامه را با پست و تلگراف و یک مدتی هم بوزارت معارف ملحق کردند اما فعلاً مدت هشت سال است که بکلی از این دو وزارتخانه مجزا شده و خودش دارای وزارتخانه معین و مستقلی است و اینکه بعضی از آقایان می فرمایند وزارت فوائد عامه شصت هزار تومان عایدی ندارد که ماسالی شصت هزار تومان برای آن خرج کنیم غیر این طور نیست یکی از معادن معدن نفت جنوب است که سالی شش کرویر عایدی دارد همینطور معادن و جنگلهای زیادی در ایران هست که تمام تحت نظارت این وزارتخانه هفتاد و پنج یا هشتاد و پنج معدن وزارت فوائد عامه اداره میکنند و اجازه می دهند یا بیزایده واگذار می کنند و بقدری که لازم است وزارت فوائد عامه عایدی دارد و البته نباید فراموش شود که در مملکت ما معادن خیلی زیاد است از آن جمله در سبزوار که یکی از ولایات خراسان است در چند نقطه معدن مس موجود است و کذا در جامای دیگر که باید فکری کرد وسائل استخراجش را فراهم نمود غرض اینست که این یک مطلب اساسی است و وجود وزارت فوائد عامه در هر مملکتی لازم است و در مملکت ما هم البته لازم است که فلاحه و تجارت ما را مرتب کند

و صنایع را رواج بدهد علی الخصوص فلاحه که وجود مملکت ما بسته باو است و همچنین فوائد عامه باید راههای مارا درست و مرتب کند راههای شوسه فعلی را نگهدارد خراب شود.

تقریباً الان پانصد فرسخ راه شوسه در ایران هست از این جا به رشت و از قره تو به تهران و از مشهد به سیستان و از رشت بازرلی و طهران و قزوین است که باید تمام این ها در تحت نظر وزارت فوائد عامه اداره بشود.

این ها تمام کار است و اگر بر فرض کارهای وزارت فوائد عامه را هم تجزیه کنیم خواهیم دید که از حیث مخارج چندان فرق نمیکند مثلاً در جرعه وزارتخانه هم باشد برای اداره طرق و شوارع مهندس لازم است برای اداره فلاحه و تجارت و غیره اجزاء لازم است.

فرضاً بقول بعضی آقایان اگر آنها را جزویک وزارتخانه دیگر هم بکنیم در صورتی که هر یک از وزارتخانهها بقدر خودشان کار زیادتر دارند آنوقت خواهیم دید که هم امور مختل میماند و هم نفی که آقایان تصور می فرمایند نخواهد داشت، مثلاً عاید موجب وزیر و کابینه اش که سالی هزار و پانصد تومان است فرق کند.

این هم تفاوت قابلی نیست و در عوض ضررش خیلی زیاد تر است و بنده تصور میکنم نباید چنین کاری را کرد و برای هزار و پانصد تومان نباید یک وزارتخانه را از بین برد بلکه باید آرزو داشت که وزارت فوائد عامه داشته باشیم و بر ترقی یافتن بیافزاییم.

و نگهداریم از بین برود بعضی از آقایان میفرمایند امورات این وزارتخانه را به وزیر مشاور واگذار کنند و حال آنکه وزیر مشاوره برای این است که مثلاً یک وزیر که بر ترتیب داخلی وزارتخانه مشغول است و خیلی کار دارد و نمی تواند حاضر بشاورد بشود از این جهت وزیر مشاوره تعیین میکنند و اگر بفرمائید آقای حائری زاده رفتار شود که می فرمائید به چه جهت پنج وزارتخانه باشد و آن قدر تشکیلات مملکتی را کوچک کنیم علاوه بر اینکه بامور خودشان نمیرسد در امور مملکتی هم دچار اشکالات خواهند شد و بالاخره عقیده بنده این است که از این هشت و نه وزیر نباید کاست ولی باید وظائف هر یک از آنها را بخودشان رجوع کنند. مثلاً اگر کارهایی که راجع بقوائد عامه است بصرف خودش بدهند نه بوزارتخانه غیر مربوطه آن وقت خواهند دید که چقدر کار دارد بطوریکه در تمام ممالک دنیا معمول است جنگل ها، راهها و صنایع و امتیازات معدن تمام بدست وزارت فوائد عامه است ولی در مملکت ما اینطور نیست.

امتیازات را وزارت خارجه میدهد و راهها را دیگری در تصرف دارد معدنش را کس دیگر تصرف

است در صورتی که مطابق معمول تمام ممالک دنیا این امور باید با فوائد عامه باشد و اگر این ترتیب که عرض کردم نباشد آنوقت وجودش لغو است و ابتدا لازم نیست و این جزئی کارش را هم ممکن است تجزیه و قسمت کنند ولی بهرحال بنده این مبلغ را برای وزارت فوائد عامه همانا زیاد نمیدانم چون غالب ادارات این وزارتخانه راجع بمطالب فنی است و نمیشود آنها را حذف کنیم و بوزارتخانههای دیگری منتقل نمائیم.

رئیس - نظر آقای زنجانی چیست؟ موافقت یا مخالف.

زنجانی - موافقم.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت؟

حاج شیخ اسدالله - بلی موافقم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - بنده متأسفم که آقای وزیر تشریف ندارند تا کاملاً مطالب و عقاید خود را عرض کنم.

عقاید بنده بدینگونه است که با آقای حائری زاده و آقای قمی مخالف است و هم با عقیده شامزاده محمد هاشم میرزا اما با عقاید قمی و حائری زاده مخالفم به جهت اینکه میفرمائید ما در مملکت وزیر فلاحه و تجارت لازم نداریم یعنی چه اغلب شغل مملکت ایران کندم کاری و زراعت است ایران که صنعت ندارد کارخانه ندارد عایدات و منافع فقط منحصر است بزراعت و فلاحه و ناچار است برای اداره کردن این امر وزیر مشغول داشته باشد. ما که نمی توانیم به قراء برگردیم و تمام دور را محول کنیم بیک انابك اعظم که آنوقت بردارد دستخط کند فلانکس را فلان کار مکن و فلان مطلب را نکن. ما مجبوریم کارها را تقسیم کنیم ما چطور می توانیم یک وزارت تجارت و فلاحه که بزرگ ترین کارهای دنیا است از بین ببریم و یا بوزارتخانه دیگر منتقل کنیم.

بنده که با این عقیده کاملاً مخالفم، تجارت است که تمام جنگلهای دنیا برای ترویج آن است و باید وزارتخانه معین داشته باشد چرا منحل کنیم بر عکس بنده عرض میکنم وزارت تجارت از اهم وزارتخانهها است بلکه می توان گفت که با وزارت داخله و خارجه که حافظ استقلال داخلی و خارجی ما است همدوش است و بهیچوجه از آنها تأخیری ندارد این علت مخالفت بنده بانظر به ایشان امامت بنده بااصل اداره کردن وزارت فوائد عامه باینجه است که یک اطلاعاتی دارم و یک تحقیقاتی کرده ام یک اداره در وزارت فوائد عامه هست مسی اداره مهندسی بنده رفتم و سؤال کردم که مجلس پانزده هزار تومان برای تعمیر جابرود تصویب کرده چه شد تعمیر کردند یا نه گفتند ما اصلاً خبر نداریم وزارت مایه خودش

دستور داد و خرج کردند. آنوقت می‌پرسم از این پل سازی راهها شما چه اطلاع دارید جواب گفتند ما از راهیکه از لنج گرفته ایم ماهی یا صند تومارن عایدی داریم و هزار و پانصد یا چهارصد تومان خرج بنده عرض میکنم وزارت فوائد عامه که باید کتبهای نهائی مارا ظاهر کند و تجارت مارا ترقی بدهد (امروز که ما در بودجه صحبت میکنیم ناچار باید اینگونه مطالب را هم بگویم) و از مالالتجاره خارجه که سرمایه مارا بکلی از بین برده و از ورود اسباب تجملات و تفننات که خانه مارا ویران کرده قدری جلو گیری کنیم. آیا دروزارت تجارت برای منع از ورود این گونه مالالتجاره چه اقدامی کرده اند؟

البته وزارت تجارت مسئول این ترتیبات است وقتی این قبیل مالالتجاره در مملکت سامان حاصل و وارد شد و هیچ چیز از مملکت خارج نشد البته بکلی سرمایه از بین می‌رود و مملکت گدا و فقیر میشود دائماً تلگراف از اطراف می‌آید که قالی و غیره صادر نمیشود و بالاخره صادرات ما در مقابل واردات مازاد می‌ماند و این عایدی بنده عرض میکنم وزارت تجارت مسئول این مطالب است و باید جواب بدهد حالا آقای مخبر فریاد بحث در بودجه کار دیگری نمیکند و هرایش بنده بیهوده و بلا جواب بماند بهر حال این بود هرایش بنده

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده اساساً مواظفم ولی میخواهم یک مطلبی عرض کنم که دفع خیلی از اختراعات بشود. در هر مملکتی کارهایی که در آن مملکت هست بحسب مناسبت آن کارها را تقسیم میکنند و هر کدام که بایکدیگر مربوط هستند يك وزارتخانه برای اداره کردن آنها تشکیل می‌دهند و هیچیک از این ادارات برای پیدا کردن عایدات نیست برای تحصیل مداخل نیست عایدات فقط با مجلس شورای ملی است بعضی مالیاتها را مجلس شورای ملی باید وضع کند امثالاً وزارت را مجلس میدهد معادن و جنگلها را بدست این و آن می‌دهد و مداخل برای مملکت پیدا نمیکند تحصیل عایدی با مجلس شورای ملی است وزارتخانه‌ها فقط برای خرج کردن و اداره کردن امور مردم است مثلاً وزارت جنگ برای تأمین مملکت است و سرانجام خرج است. پس باید گفت ما این وزارتخانه‌ها چون دخل ندارند نمیخواهیم.

وزارت جنگ برای امنیت مملکت است که قشون و قوای تأمینیه مملکت را مرتب کند و تماش خرج است و وزارت فوائد عامه برای نظارت کردن در امور راهها و معادن و غیره است. نباید گفت چرا وزارت فوائد عامه معادن را استخراج نمیکند مگر وزارت فوائد عامه خودش معادن را استخراج میکند مردم باید تشکیل کمیته‌ها بدهند و استخراج کنند باید کمیته‌ها بیاید راه بسازد آنوقت وزارت فوائد عامه نظارت کند. مگر در خارجه راهها را وزارت فوائد عامه می‌سازد؟ خبر شرکتها تشکیل میشوند و می‌آیند فلان راه را اجاره میکنند و می‌سازند آنوقت وزارتخانه

در آن خصوص نظارت میکند که راهها را خوب بسازند یا پول زیاد از مردم بگیرند. مثلاً میگویند چرا وزارت فوائد عامه فلاح و تجارت را درست نکرده و توسعه نداده من میگویم باید تجارت بیابند و تجارت بکنند و تشکیل کمیته‌ها بدهند آنوقت وزارت فوائد عامه ترتیبات آنها را مرتب کند و درست نظر خودش اداره و تنظیم کند و قانون پیشنهاد کند که حق هیچ تاجری از میان نرود. این کارهای وزارت فوائد عامه است. من می‌بینم عموم مردم میگویند کار نیست و دولت برای مردم کار پیدا نمیکند همه در خانه خودشان می‌نشینند و میگویند دولت بنا کار نمیدهد و متوقف هستند دولت برای آنها کار پیدا کند دولت چطور کار پیدا کند باید بازاری تو را بگیرد و ببرد سر کار خودت برو فلاح کن، برو مملکتی بکن، برو تجارت کن غرض این است که فقط تنظیم و اداره کردن مملکت با وزارتخانه است نه عایدی دادن

وزارت جنگ مالیه فوائد عامه و معارف همه اینها برای ما خرج دارد نه دخل و وضع مالیات و نه عایدی. مجلس شورای ملی است که عایدی پیدا کند و اجازه گرفتن خرج کردن بوزارت خانه‌ها بدهد وزارت فوائد عامه در دنیا بهترین و بهترین وزارتخانه‌ها است حالا ایرادی که دارید این است که چون وضع و ترتیبات اداریش متشوش است باید آنرا برادران من می‌گویم وزارت معارف هم خوب مرتب نیست آن را هم بر دارند

وزارت عدلیه خوب نیست آنرا هم بر دارند بالاخره هر کدام را که از ترتیباتش سؤال یا استیضاح داریم بر دارند مثلاً بنده بوزارت داخله از همه بیشتر اعتراض دارم باید بر دارند ما باید اول قانون بنویسیم و بدست آنها بدهیم بعد سؤال کنیم که چرا قانون را اجرا نکردید ما کدام قانون را بدست آنها دادیم که آنها را تحت سؤال بکشیم پس ما باید بوزارت فوائد عامه مرتب تر کنیم و قانونش را بنویسیم و بدست آنها بدهیم تا کم کم جلوتر بروند و نباید آنرا متعلک کنیم دروزان کسی اینجا گفت تشکیلات وزارتخانه‌ها بنا دخی ندارد و هر وزارت خانه خودش مختار است بهر نحو که صلاح دید تشکیلات خودش را بدهد این حرف خیلی ناصحیح است مثلاً اگر وزیر جنگ آمد و گفت صد هزار قشون لازم است و ما هم اختیار باو دادیم که تشکیلات خودش را بعد آنوقت بودجه‌اش را هم البته باید تصویب کنیم نمی توانم باو بگویم که صد هزار قشون باشد اما خرجش را نمی دهیم پس اول تشکیلات را مجلس باید معین کند چون بودجه فرع بر تشکیلات است تشکیلات درست نظر مجلس شورای ملی است

اول باید مجلس تشکیلات را درست کند بعد بودجه‌اش را تصویب نماید مثلاً اگر وزارتخانه پنج منشی و دو اداره واقعی که بودجه‌اش آمد ما نمی توانیم بگویم که پنج منشی باشد اما حقش را نداریم بدهیم این نمی‌شود باید گفت پنج منشی زیاد است دو منشی کافی است با يك اداره پس است پس ترتیب تشکیلات

بمجلس است باید هر وزارتخانه قانون تشکیلات خودش را تهیه کند و ما نظر نکنیم هر کدام زیادی است یا دلائل او را حذف کنیم هر کدام لازم است بجای خودش باقی باشد باید اساس کار را بحسب مناسبت مرتب کرد

مثلاً يك وزارتخانه که باید روابط با خارجه داشته باشد باید در آن وزارت خانه علوم و زبان خارجه متداول باشد آن وقت امور داخله را نمی توانیم باو مراجعه کنیم البته باید کار وزارت خانه‌ها از يك دیگر متمايز باشد.

يك وزارتخانه اجزایش علوم خارجه باید بدانند از منشی و مستخدم کلیه مربوط با امور خارجه باشند مثلاً عدلیه باید جدا باشد و قضات لایق تربیت کند دیگر آنها نمی توانستند کار وزارت داخله یا خارجه را بکنند مگر سایر وزارت خانه‌ها از قبیل پست و تلگراف و فوائد عامه و غیره البته کسی که کارش تلگراف چی گری است نباید در فوائد عامه دخالت کند پس باید امورات بحسب تناسب تقسیم شود و کار هر يك را مرتب و معین نمایند.

آنوقت اگر يك وزارتخانه ناقص است باید ترتیبات آنرا تکمیل کرد نه اینکه آنرا بکلی منحل کرد باید آنرا مرتب و منظم کرد تقریبش کرد تا کم کم کار هم زیاد بشود و این مردمی که اینقدر از دولت توقع کار دارند و بس در دولت بخت دارند که چرا کار برای آنها پیدا نمی‌کند حق توقع دارند که کار را هم دولت برای آنها درست کند و با آنها بدهد که بخورند بروند تجارت کنند

کسب کنند کارخانه تشکیل بدهند آنوقت وزارت فوائد عامه امور آنها را منظم و مرتب کند و با امورات آنها رسیدگی نماید کسی نمی‌تواند بوزارت فوائد عامه بگوید چرا راه را نمی‌سازی. مگر وزارت فوائد عامه میتواند راه بسازد باید وزارت فوائد عامه اجازه بدهد امتیاز بدهد يك شرکت یا کمیته‌ای و آنوقت اگر خلاف کردند باید از آنها مواخذه بکند که چرا مثلاً این راه سنگش در آمده یا چرا بیکران را دورتر گرفته. بعضی می‌گویند چرا فوائد عامه معادن را استخراج نمیکند یا چرا عده نمیکند استخراج کند غیر اینطور نیست باید مجلس يك کمیته یا شرکتی اعتبار بدهد و آن ما معادن را استخراج بکنند و وزارت فوائد عامه نظارت کند پس وجود وزارت فوائد عامه خیلی لازم است و بودجه‌اش هم خیلی کم است هم چنین وزارت معارف و عدلیه هر روز هم عرض کردم این وزارت خانه‌ها تشکیلات مشروطه است و باید تقویت بشود ولی بعضی از وزارت خانه‌ها هستند که در زمان استبداد هم داشتند و باید آنها را کوچک کرد تا کم کم تشکیلات ما با هم مساوی شوند

مخبر - لازم است بنده يك توضیحی بدهم چون فرمایشی که آقای زنجانی فرمودند گویا سوء تفاهمی شده است برای اینکه اعتراضی که راجع به

تشکیلات فرمودند مستقیماً به بنده فرمودند ولی بنده فقط نظر این نبود که آقای فرمودند باید بیانم قاصر بوده است آن شب که آقایان در موقع بودجه‌ایستاری در تشکیلات مذاکره میکردند بنده عرض کردم و حالاً هم عرض میکنم موافق می‌تواند در تشکیلات اداری امان نظری بکند که موقع تصویب بودجه باشد یعنی در موقعی که بودجه‌های جزء به مجلس می‌آید مجلس می‌تواند در تشکیلات اگر نظریه داشته باشد دخالت نماید نه در موقعی که بودجه و اعتباری تصویب میشود در آن موقع هم این يك راه غیر مستقیم است که بوسیله تصویب بودجه مجلس نظریه خود را در تشکیلات اظهار مینماید والا اصل تشکیلات حق قوه مجریه است

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - بنده نظری بر فرمایشات حضرتعالی نداختم در جلسه گذشته آقای فقیه الملک فرمودند تشکیلات با وزارتخانه‌ها است و مربوط بمجلس نیست جواب ایشان را عرض کردم.

رئیس - آقایان مذاکره را کافی میدانند یا خیر.

(گفته شد کافی است)
حائری زاده - بنده توضیحی دارم
آقای میرزا ابراهیم قمی - بنده هم توضیحی دارم.

رئیس - (خطاب به حائری زاده) تقریباً پنج شش نفر قبل از شما اجازه خراسته‌اند و اسم جنابعالی ششم است و اسم آقای قمی هفتم است

ارباب کیخسرو - چون اینجا يك مذاکره‌ای شد لازم است توضیحی عرض کنم اجازه میفرمائید؟

رئیس - مخالفید یا موافق
ارباب کیخسرو - خیر بنده موافقه و لایق توضیحی را که آقای مخبر دادند اگر بودجه‌ای این قسم بگذرد بعدها سوء تفسیر خواهد شد

رئیس - بفرمائید
ارباب کیخسرو - از آقای مخبر سؤال شد که آیا بودجه طرق و شوارع را هم این بودجه‌ها شامل است یا خیر؟ فرمودند بلی در صورتیکه در این بودجه راه‌ها و قریه‌ها و نوبت برای اینکه تنها بودجه خرج راه‌ها و قریه‌ها نیست و اینها هزار تومان است و داخل این موضوع نیست

مخبر - بنده هم عرض نکردم مخارج طارق جاده هم جزو این بودجه منظور شده اگر هم عرض کرده‌ام اشتباهاً بوده

رئیس - رأی می‌گیریم باینکه مذاکرات کافی است یا خیر
آقایان باینکه مذاکرات را کافی می‌دانند قیام نمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریت قریب با اتفاق است
رأی می‌گیریم بجاده هم آقایان باینکه ماده‌ها را تصویب می‌کنند قیام نمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده دهم قرائت می‌شود.

(آقای ندین بشرح آتی قرائت نمودند)
ماده ده - وزارت خارجه با سفارت افغانستان و شهرها و پیشنهادی دولت (۷۲۴۲۱۴) تومان تصویب کیسیون (۶۴۰۰۰) تومان

رئیس - در این ماده اعتراضی هست؟ آقای حائری زاده

(اجازه)
حائری زاده - به عقیده بنده خوب است کار گذارهای ولایات را منحل نمایند و کار اتباع خارجه را با هم کار عدلیه رجوع کنند و از بودجه حقوق آنها کسر شود

رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - کیسیون بودجه با وزارت خارجه مشغول تبادل افکار بوده است و این بودجه چندان بی‌مخاطره و غیر تحقیقی نوشته نشده است مخصوصاً در این باب مذاکره شده و مسائل ممکن است از این بودجه کسر شود.

یکی از آن راهها این بود که کار گذاری های محل‌هایی که امروز لازم نیست منحل شود و کار گذاری های سرحدی که وجودشان لازم است باقی باشد و همچنین نسبت به سفارتخانه‌هایی که در خارجه هستند این نظریه بوده که آنجا عوامی که لازم نیست حذف شود و در تقاطع کلان است مثل افغانستان اضافه شود فرض این است که نظریات آقای حائری زاده کلیه در کیسیون بودجه اعمال شده و دیگر نمیشود يك دینار از بودجه وزارتخانه‌ها کسر کرد و بعد لازم کسر شده است

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت؟
حاج شیخ اسدالله - موافقم
رئیس - آقای فقیه الملک
فقیه الملک - موافقم

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟
نظام الدوله - در این قسمت که گفته شد کار گذاری ولایات به عدلیه رجوع شود بعقیده بنده اگر مقتضی باشد به معاونین حکام رجوع شود بهتر است.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عرضی ندارم
رئیس - آقای حاج نصیر السلطنه مخالفید؟
حاج نصیر السلطنه - خیر بنده با راپورت موافقم ولی در این موضوع که آقای نظام الدوله فرمودند اجازه میفرمائید جواب عرض کنم؟

رئیس - بعد از آقای فقیه الملک بفرمائید
فقیه الملک - در موضوعی که آقای نظام الدوله فرمودند چون دولت کابینولسیون را لغو کرده و رفته رفته کار مراعات خارجه به عدلیه رجوع خواهد شد و معامات خارجه باید برداشته شود منتی اگر تشریفاتی در ولایات برای تسولهم لازم باشد با کاره داشته باشد حکومت این کارها را ممکن است انجام دهد لیکن مسئله را که میخواهم توضیح بدهم راجع به شهرهای وزارت خارجه است که از بودجه آنجا خارج کرده‌اند چون شهرهای وزارت خارجه مثل شهرهای معمولی نیست عده‌ای این شهرها بگیری در سنوات گذشته سابقه خدمت داشته‌اند و در وزارت خارجه زحمت کشیده‌اند و برای اینکه در این اواخر زندگانی و امرار حیوتی مینمایند با آنها يك حقوق تقاعدی داده شده است

حالی که آنها را از بودجه وزارت خارجه و در جزء سایر شهرها بگیری گذاشته‌اند حقیقه در باره آنها حکام بی‌انصافی شده است و بنده عقیده‌ام این است که کافی السابق حقوق این اشخاص را در جزو بودجه وزارت خارجه منظور دارند ولی اشخاصی که بدون استحقاق با آنها حقوق داده شده ممکن است آنرا خارج کنند ولی اشخاصی که عمر خودشان را در این وزارتخانه تمام کرده‌اند امروز انصاف نیست آن ها را در جزو سایر شهرها بگیری که هنوز تکلیفشان معلوم نیست قرار دهیم

مخبر - امروز صبح آقای وزیر خارجه در کیسیون بودجه تقریباً همین نظریه آقای فقیه الملک را اظهار کردند کیسیون بودجه هم این عقیده را اتخاذ کرد که بکلیه حقوق هائی که داده میشود رسیدگی کند آنچه را که مصداق حقوق تقاعدی است یعنی شهریه‌هایی است که بیک اشخاص داده میشود که سابقاً دروزارت خانه‌ها مستخدم بوده و زحمت کشیده‌اند و بعد از مدتی خدمت بواسطه زیادی سن از کار افتاده‌اند حقوق این قبیل اشخاص بمجلس پیشنهاد خواهد شد که جزو بودجه وزارت خارجه باشد و از آنجا دریافت کنند ولی سایر شهریه‌ها که بحسب تصویب نامه و غیره برقرار شده‌است البته آنها را کیسیون تصدیق نخواهد کرد و باید مستقیماً از وزارت مالیه دریافت دارند.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مخالفید یا موافق؟

محمد هاشم میرزا - بنده موافقم
رئیس - آقای حاج نصیر السلطنه (اجازه)
حاج نصیر السلطنه - هرایش بنده را آقای فقیه الملک فرمودند
رئیس - دیگر مخالفی نیست؟
نظام الدوله - بنده راجع به پیشنهادی که در موضوع واگذاری شغل کار گذارها به معاونین حکومت کردم نظریاتم همان قسمت الفاء کابینولسیون بود که چون از جهاتی فعلاً نقض شده ممکن است اتباع

خارج دروالات کار خود را بمعاونین حکومت رجوع نمایند تا رسیدگی کار گذارها بمصالحات خارج از بین برداشته شود و معاون وزارت امور خارجه در این باب وزارت امور خارجه مشغول مطالعات است و در بودجه جدید يك عده از کار گذارها حذف خواهد شد

رئیس - مذاکرات کافی است
(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - رای می گیریم آقا باینکه ماده مهم را تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلای قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقای حائری زاده پیشنهاد کرده اند چون ماده ۱۱ الساعه طبع و توزیع شده بماند برای جلسه دیگر

مخبر - الساعه طبع نشده صبح شده است

رئیس - خطاب به آقای حائری زاده اگر توضیح بدارید بفرمائید
حائری زاده - راپورت کمیسیون بودجه را الساعه بینه داده اند و هنوز در اطراف آن مطالعاتی نشده و گمان می کنم چهار پنج ساعت وقت لازم دارد تا نمایندگان افکارشان را حاضر کنند و اگر آقا باین موافقت کنند بماند برای جلسه آتی ضروری نخواهد داشت

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - چون این مطلب اساساً سابقه دارد و جزئیاتش هم طبع شده و امروز صبح توزیع کرده اند و مدتی است در دست آقای حائری زاده بوده است گمان می کنم دیگر تأخیرش موقع نداشته باشد و اگر بماند برای جلسه دیگر شاید نا دو هفته دیگر هم نتوانیم در این موضوع بودجه رای بدهیم (جمعی گفتند صبح است)

رئیس - چون پیشنهاد کرده اند رای می گیریم

حائری زاده - حاج شیخ اسدالله فرمودند صبح توزیع شده در صورتی که الساعه آقا سید محمود که مأمور توزیع است این توره رای بدهد داده ممکن است تحقیق بفرمائید

شیخ الاسلام اصفهانی - بلی بینه هم یک ساعت قبل رسیده است

رئیس - رای می گیریم آقا باین که تصویب می کنند ماده یازدهم بماند برای جلسه دیگر قیام فرمایند

(در سه نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - ماده یازدهم از روی راپورت ۱۴ قرائت می شود

(آقای تدین بوضوح ذیل قرائت نمودند)
ماده یازدهم وزارت معارف و اوقاف و صبحه پیشنهادی دولت جمع کل (۶۲۲۶۲۲)

تصویب کمیسیون بودجه جمع کل ۹۲۲۶۲ تومان
وزارت خارجه (۶۰۰۰۰ تومان) پیشنهادی دولت

تصویب کمیسیون بودجه ۵۰۰۰۰ تومان
صحبه پیشنهادی دولت ۸۴۲۰۰ تومان تصویب کمیسیون ۸۲۲۰۰ تومان

مدارس تهران و حومه ابتدائی و متوسطه و غیره پیشنهادی دولت ۲۴۳۸۲۲ تومان تصویب کمیسیون بودجه ۲۴۳۸۲۲ تومان

اهانه مدارس خارجه طهران پیشنهادی دولت ۱۶۶۶۰ تومان تصویب کمیسیون ۱۶۶۶۰ تومان

اهانه معصلین داخله پیشنهادی دولت ۵۰۲۰۰ تومان تصویب کمیسیون ۲۷۰۰۰ تومان

اهانه معصلین خارجه پیشنهادی دولت ۲۷۹۹۰ تومان از طرف حکم کمیسیون تصویب نشد حذف شد

اهانه مدارس ملی پیشنهادی دولت ۸۴۰۰۰ تومان تصویب کمیسیون ۸۱۶۰۰ تومان

اعتبارات پیشنهادی دولت ۷۰۲۸۰ تومان تصویب کمیسیون ۱۲۲۸۰ تومان

معلمین اروپائی مطابق کثرت پیشنهادی دولت ۲۷۰۰۰ تومان - تصویب کمیسیون ۲۲۰۰۰ تومان

صنایع مستظرفه پیشنهادی دولت دوازده هزار تومان تصویب کمیسیون دوازده هزار تومان

ایالات و ولایات - از باب دوائر معارف و بعضی مدارس پیشنهادی دولت ۱۸۴۴۰ تومان تصویب کمیسیون ۱۸۴۴۰ تومان

مدارس پیشنهادی دولت ۱۳۰۰۰۰ تومان - تصویب کمیسیون ۱۳۰۰۰۰ تومان

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
(اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده در يك قسمت از این ماده مخالف هستم اگر جزء جزء رای گرفته می شود در موقع خودش عرض خواهم کرد و اگر يك مرتبه رای گرفته می شود الان عرض کنم

رئیس - خیر باین مرتبه رای گرفته می شود

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم آنطوری که در کمیسیون بودجه وقت کردم با وجود مؤسسان که در طهران هست از قبیل مدارس خارجه و معلمین خارجه و غیره که در ولایات نباید باشد معذراً بطور اجمال عرض می کنم قریب چهارصد و پنجاه هزار تومان برای معارف طهران معین شده و بهمه جهت بودجه ایالات و ولایات صد و چهل و هشت هزار تومان نوشته شده است و این دو رقم با یکدیگر تناسبی ندارد و بنده این بودجه را غیر متناسب میدانم و عقیده بنده این است که باید وزارت معارف يك تناسبی بین طهران و سایر ولایات رعایت کند و با وجود امتیازاتی که تهران دارد بودجه این قدر بی تناسب نباشد و خوب است تمام ایالات و ولایات ایران را در مقابل شهر تهران

نگذارند و اگر می توانند به بودجه ولایات بیفزایند و اگر نمی توانند از بودجه طهران کسر کرده به ولایات بیفزایند تا فی الجمله تناسبی ملحوظ شده باشد

مخبر البتة همه ما با اظهارات حضرت والا راجع به تکثیر مدارس در ایالات و ولایات موافقیم - علی الخصوص بنده که نماینده یکی از ولایات هستم ولی خود سرکار در کمیسیون تشریف داشتید و این مذاکرات در آنجا شد و تمام اشکالاتی که موجود است شنیدید و دیدید غیر از مسئله پول يك مسائل دیگری هم لازم است که نباشد در ولایات فعلاً مدارس زیادی تأسیس کرد طهران و حومه آن با همین که بواسطه مرکز بودنش دارد کلیه معارج مدارس ابتدائی و متوسطه اش به صد و هشتاد هزار تومان رسیده در صورتیکه هشت باب مدرسه متوسطه را که منها کنیم قریب پنجاه و هشت هزار تومان از آن کسر میشود پس تصدیق بفرمائید که تناسب تا درجه موجود است ببلایه این مبلغ یکصد و سی هزار تومان که باید در ایالات و ولایات مدارس تأسیس شود گمان میکنم اگر آن راجع به تأسیسات جدید است و گمان میکنم خودتان هم تصدیق بفرمائید که این يك قدم اولیه و بزرگی است که برای توسعه معارف برداشته شد و امیدواریم در آتی هم قدمهای سریع دیگر برداشته شود تا کاملاً معارف در همه جا تعمیم پیدا کند و باین مطلب هم نمیشود راضی شد که در مدارس موجوده طهران را به بندهم و برای رعایت تناسب بولایات بیافزاییم

آقا سید یعقوب - تمام ماها قهراً و طبعاً به بسط معارف متوجه هستیم

شاهزاده محمد هاشم میرزا باعتبار نمایندگی از ولایات اعتراض کردند و مخبر يك جوابی دادند که گمان میکنم غیر منطقی بوده ایشان فرمودند مدارس طهران بسته شود که این جواب را بایشان دادند بنده عرض میکنم که اهالی مالیات میدهند آنوقت دولت به جنوب چه توجهی کرده رو را به شمال پشش را به جنوب کرده آیا کار دیگری هم کرده ترفیات اهالی فارس در این مدت چه بوده شیراز که دارالعلم بوده چه مدرسه دارد در صورتیکه همیشه اطاعت کرده اند و هرچه مالیات خواسته اند داده اند کرمان ایالت بآن عریض و طویل کدام مدرسه در آنجا تأسیس شده و همچنین بروجرد و لرستان و غیره ما خیلی خوشوقت هستیم که معلمین و ادبای طهران بیشتر شوند و اهالی ایالات و ولایات را تربیت کنند ولی گمان نمیکند انصاف نمایندگان حکم کند که يك طهران مقابل تمام ولایات باشد و آقای وزیر معارف تمام ایران را در مقابل طهران قرار بدهد و ما از این مسئله خیلی دلننگ هستیم و میخواهیم ایالات و ولایات مدرسه داشته باشد چنانکه اهالی ولایات همیشه متوجه به معارف بوده اند و هر وقت مالیات جدیدی وضع شد با کمال شوق پرداخته اند آنوقت که قرار شد تومانی يك عباسی و خرواری يك قران برای معارف بدهند کدام سرچیو کردند

و وقتی که امین مالیه پول ما را می برد و خرج خودش میکنند تصویر رعایا است - ملت با تمام قوا حاضر است معارج معارف را بدهد اما وقتی که بدانند که بآن مصرف میرسد و در دهان دوا میشود مثلاً می بینیم معلمین اروپائی را می نویسند بیست و دو هزار تومان در صورتیکه بنده تحقیق کرده ام هفته پنج ساعت و با ده ساعت بیشتر درس نمیدهند و آنوقت در این باب ابد کسی حرف نمیزند اما راجع بایالات و ولایات که حافظ استقلال ایران هستند اینطور ایراد میکنند و بنده مخالف هستم و تا يك توضیحی داده نشود که معارف ایالات و ولایات زیاد تر خواهد شد درست از مخالفت خود برنمیدارم

مخبر - در موقعی که آقای آقا سید یعقوب عبارت غیر منطقی را ذکر سکروند بنده گوش دادم تا به بنیم خودشان بفهمم این کلام درست بصیر هستند یا نه

بالاخره فهمیدم که ملتفت نیستند و الا تصدیق میکردند که غیر منطقی است این است که امروزه در موقعی که تمام دنیا و ملل مختلفه عالم دم از وحدت میزنند ما بایام در يك مجلس صد و سی نفری که هشتاد نفر زیاد تر حاضر نیست دعوی مرکز ولایت بکنیم من که نماینده کرمانشاهان هستم و فلان آقا که نماینده طهران هستند همه نماینده این مملکت هستیم و همه تعمیم معارف را برای افراد ایرانی میخواهیم فرق مابین ایالت و ولایت نیست و ما نباید برای این که موکلین خوششان بیاید حرف بزنیم باید حفظ مصالح مملکت را در نظر داشت اول پول پیدا کرد بعد خرج کرد شما حاضر باشید پول پیدا کنید باینکه بنده پنج برابر در این مبلغ و خرج کنید و در تمام ده گروه های مملکت مدرسه تأسیس کنید ولی وقتی که مابندی نیست و مجبور هستند از تمام معارج سنواری کسر کنند که بودجه تبدیل شود دیگر این مطالب یعنی چه ما نباید خودمان را گول بزنیم و بگوئیم يك الفاظی گفتیم و نشد اگر مقصود گفتن است که بنده هم میگویم تمام ایالات و ولایات ایران باید مدرسه داشته باشد ولی اگر من بعنوان مخبر کمیسیون بودجه دفاع میکنم برای این است که اعضاء کمیسیون را که خودتان معین کرده اید و همه نماینده شما هستند اول مطلع نظرشان تبدیل جمع و خرج این مملکت است برای حیات مملکت برای استقلال مملکت مدرسه برای ما خوب است وقتی که استقلال داشته باشیم وقتی که زنده باشیم

مدارس و تربیت کردن اطفال عموم مردم است ولی باین حال نباید ما زندگانی اصلی خودمان را بخطر بیندازیم در صورتی که می توانیم يك کار هائی را از روی ملاحظه با قسماهای تدریجی تکاملی انجام دهیم و نواقص خود را تکمیل کنیم اینک می فرمائید مردم حاضرند مالیات جدیدی برای این کار بدهند گمان می کنم اگر آقای رئیس الوزرا تشریف داشتند پیشنهاد میکردند که مجلس معادل هر قدر که صلاح

می داند مالیات وضع کند همه را خرج مدارس ولایات بنیاید ولی امروز باید سعی کنیم بودجه را تعدیل نماییم برای اینکه دولت ما مجبور نباشد همه روزه شرافت استقلال مملکت را بدر خانه اجانب برده پول تحصیل کند

آقا سید یعقوب - کی این حرف را زده است؟

رئیس - آقای رئیس التجار
(اجازه)

رئیس التجار - بنده متأسفم باین شرحی که حضرت والا فرمودند کاملاً نمی شود اهالی ولایات را قانع کرد و ما این مملکت می بیند مالیات می دهند و وقتی روز نامه بولایات میروند می بینند ۴۵۰۰۰ تومان برای معارف در طهران معین شد و ۱۳۰۰۰ تومان برای ولایات اگر بنده شخصاً تمام فرمایشات حضرت والا را تصدیق کنم معذراً اهالی را نمی شود قانع کرد و گفت شما که از هر حیث ده برابر طهران هستید از طهران مدرسه کمتر داشته باشید البته طهران يك مدافعی داشت و يك بیدقتهائی هم برداشته و روزنامه نویسا هم يك تعبیراتی برای نطق يك نفر وکیل کردند و مبلغ زیادی اضافه شد ولی راجع بولایات هیچکس حرفی نمیزند باید انصاف بدهید با اینکه من تصدیق دارم مالیات کفایت نمی کند لکن با این حال آیا برای کلبه معارف ایالات و ولایات اهالی را می شود به ۱۳۰۰۰۰ تومان قانع کرد؟

عقیده بنده کفایت مقدور است اگر تومانی صد دینار از این نوزده میلیون معارج بعنوان معارف کسر شود ۲۰۰۰۰۰ تومان می شود باینکه اگر ممکن است از معارج دیگری کسر کنند با جلوگیری از تفریط کارها بکنند و خرج معارف ولایات کنند و با همانطوری که آقای آقا سید یعقوب فرمودند مالایاتی وضع کنند باز آن شش میلیونی که از نفت جنوب می برند لافل مقداری از آن را برای جنوب خرج کنند که معارف آنجا ترقی کند انصافاً ملاحظه بفرمائید این ۱۳۰۰۰۰ تومان برای معارف يك مملکتی چه می شود کرد

اگر این مبلغ را قائل بشویم بهر مدرسه بیشتر از سی چهل هزار تومان نمیرسد کدام مدرسه است که بتوان باهمی ۵۰ تومان اداره کرد بنابراین بنده استدعا میکنم که يك معنی را مدین کنند و بر بودجه فعلی ولایات افزوده شود

مخبر - برای اینکه در این جا رفع اشتباه آقای رئیس التجار شود متذکر می شوم که اولاً پیشنهادی دولت برای مدارس طهران و حومه آن دویست و چهل و سه هزار و هشتصد و بیست و سه تومان است و همین مبلغ هم از طرف کمیسیون تصویب شد و اینکه اشاره از گذشته فرمودند چون حضرتعالی نازده در کمیسیون بودجه عضو شده اید از سابقه خبر ندارید اختلافاتی اگر بین رقم سابق و رقم حالیه دیده اید هیچ مربوط بکمیسیون بودجه و تجدید نظر مجلس نیست و وزیر سابق اشتباه کرده بود و وقتی پیشنهاد کرده بودند کمیسیون بودجه هم همان رقم را ببلایه

هشت هزار تومان تصویب کرده و بعد وزیر معارف وید اشتباه کرده است صورت جزئیش را بکمیسیون آورده نشان داد و دیدیم مبلغی با معارج موجود تفاوت دارد این را من باب تذکر خواستم عرض کنم حالا جزء این مبلغ را برای شما عرض می کنم بیست و سه باب مدارس ابتدائی پنج کلاسه است که هفتاد و چهار هزار و یکصد و شش تومان خرج آنها است هفت باب مدرسه ابتدائی شش کلاسه است که مبلغ ۲۵۸۷۲ تومان خرج دارد و ده باب مدرسه فانت است و یکی دارالعلمیات که خرج آنها ۲۴۸۸۰ تومان است ده باب هم مدرسه حومه طهران است که ۷۱۰۴ تومان خرجش می باشد این مبلغ های جزء کلبه معارج مدارس ابتدائی ذکر و اثبات طهران است اگر شما بخواهید تناسب را رعایت بکنید باید باین ارقام توجه کنید و وعلاوه بر این هشت باب مدرسه متوسطه است که پنجاه و شش هزار و دویست و سه تومان اینجا در بودجه معارج برای او منظور میشود اما يك قسمت عایدی دارد که در حقیقت کمتر از این مبلغ است این يك قسمتی است بقیه مدارس دارالفنون دارالمعلمین و مدرسه موزیک و مدرسه طب است و ارقام معارج آنها هم که اضافه شود (۲۴۲۸۲۲ تومان) بودجه است که باسم مدارس نوشته شده اما چهارصد و پنجاه هزار تومان کفایت میکند قلم های دیگری دارد و حاصل تأسیساتی است که هر قدر هم جلو برویم امروز در ایالات و ولایات نمی شود آن تأسیسات را ایجاد کرد این توضیحانی است که برای روشن شدن فکر جنابعالی عرض کردم ولی اگر هیئت دولت بتواند يك معنی پیدا کند که بتواند بر بودجه فعلی ایالات و ولایات بیفزاید در آتی البته بهتر است و گمان می کنم مخالفی هم در این موضوع نباشد

وزیر معارف - بنده تصور می کنم مخالفت آقایان بیک مخالفت ظاهری وسطی باشد و در موضوع ازدیاد مدارس تصور می کنم دولت و ملت همه آرزو مند هستند معارف مملکت را هر قدر بتوانند توسعه دهند و اسباب ترقی ایرانیان را فراهم کنند اما راجع بمعارج مدارس طهران و ایالات که فرمودند رعایت تناسب نشده اگر از نقطه نظر مرکزیت هم باشد می بینیم در طهران توسعه معارف باید بیش از اینها باشد مثلاً دارالفنون ما فقط اسم دارد و اگر بخواهیم مدرسه عالی باشد هنوز خیلی نقص دارد ولی برای اینکه خرج زیادی تولید خواهد شد باین مبلغ قناعت شده و این مبلغ که برای معارف معین شده زیاد نبوده و با مبلغی که برای ایالات و ولایات تخصیص داده شده بی تناسب نمی باشد زیرا چهار پنج سال پیش نیست که در ولایات تأسیس مدارس نمودیم و البته تصدیق می فرمائید که بطور تمجیل نمیشود يك اقدامات اساسی کرد مثلاً تأسیس مدارس معلم خوب لازم دارد باید معلم تربیت کرد و در تمام نقاط مملکت مقرر نمود که هر جا مدرسه تأسیس میشود اسباب کارش هم فراهم باشد البته سعی دولت و وزارت معارف هم این است که در ایالات و ولایات چند برابر پولی که امروز تخصیص

داده شده خرج شود و بلکه شاید این نظر را نیز داشته باشد که در بعضی مراکز ایالات و ولایات دارالفنون هم تأسیس نمایند تا یک مرکز علمی در ایالات و ولایات داشته باشیم که از آنها ما نیز فرشته معرفت و انوار علم باطراف سرایت کنند ولی تمام این ترتیبات را به عجله نینویسد انجام داد و به عجله بنده این صد و سی هزار تومان که برای ایالات و ولایات تخصیص داده شده نسبت سابق خیلی زیادتر است زیرا اگر بدقت پول هائی را که با اسم مدارس ایالات و ولایات سابقاً داده می شد ملاحظه کنیم خواهیم دید که ثلث آنجه امروز تخصیص داده شده نیست در صورتیکه با همین مبلغی که کمیسیون تصویب کرده در آتیه مدارس ایالات و ولایات زیادتر و منظمتر خواهد شد و در خیلی نقاط که امروزه مدرسه وجود ندارد تأسیس خواهد کرد زیرا نسبت به مصارف سابق مصارف ایالات و ولایات این مبلغ خیلی زیاد است.

این نکته را اساساً عرض می کنم که برای مدارس علاوه بر پول اسباب کار لازم است مثلاً اول باید معلم پیدا کرد و بعد تهیه مدارس نمود و اگر عایدات دولت زیادتر شود مضایقه در تأسیس مدارس نخواهد شد و انشاءالله دولت در سال آتی به کثرت نیازمند مالیات منظم شود پیشنهاد دیگر راجع به مدارس ایالات و ولایات خواهد نمود و انشاءالله با موافقت و مساعدتی که مجلس شورای ملی با اصلاحات مصارف دارد این آرزو ضرورت عمل پیدا خواهد نمود

رئیس - چون جمعی از آقایان اجازه خواسته اند اگر مجلس موافق باشد چند دقیقه نفس داده شود .

در این موقع جلسه برای نفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید .

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده هم در دو قسمت اینجاءه مخالف هستم که یک قسمت راجع به نام بودجه ایالات و ولایات با مرکز است یا باید بودجه مصارف را به تناسب مالیات ایالات و ولایات قائل شویم یعنی بهمان نسبت که یک نقطه مالیات میدهد بهمان نسبت مخارج برای مصارف آنجا اختصاص داده شود .

مثلاً با این مالیات کراف که اهالی کرمان میدهند فقط ماهی سیصد تومان برای مصارف مصارف آنجا اختصاص داده شده و دو پاسبان مدرسه در کرمان هست که هیچ صورت مدرسه نداشته و حال رقت آوری دارد یکی دیو باب مدرسه هم پاره اشخاص در کرمان ایجاد کرده اند و آنها هم بواسطه عدم توجه رؤسا متدرجاً از این میروند .

قسمت دیگر عرض بنده راجع به بودجه اوقاف است به عجله بنده از پلو تأسیس اداره اوقاف تابعان برای این مملکت جز ضرر هیچ چیز دیگری حاصل نشد رئیس مصارف که از مرکز ولایات میروند عرض -

اینکه اوقات خود را صرف تنظیم مدارس بکنند تمام اوقات خود را صرف مداخله در اوقاف میکنند و مانی با اسم جریمه و نیم عشر میگیرند و بکلی بمدارس توجه نمی نمایند و مدارس ایالات و ولایات روز بروز خرابتر میشود بنده در چند نقطه از ولایات دیده ام ابداً مدارس صورت خارجی ندارد و بنده تصور میکنم اگر وظایفی را که اداره اوقاف عهده دار است از قبیل تشخیص تولیت و معاکه را عهده دار شود و نظارت در وصول کردن عایدات موقوفات بمذله رجوع کنیم بهتر است زیرا رئیس محکمه عدلیه می تواند تشخیص تولیت و معاکه را عهده دار شود نظارت در رساندن عایدات اوقاف بمصارف خودش محول به مدعی العموم بشود ثبت نوشتجات و وقف نامجات را هم به ثبت اسناد رجوع بکنیم لازم نیست یک مخارجی از باب موقوفات بدولت تحویل شود و اگر یک مالیاتی هم برای موقوفات در مجلس وضع شد ممکن است اینها هم بدلیه رجوع کنیم بنابراین چون هیچ فائده از اداره اوقاف امروزی حاصل نیست بنده عقیقه دارم که بودجه اوقاف را بمصارف تخصیص بدهیم و آنرا حذف کنیم تا هر رئیس مصارفی که معین میشود تمام هشر را صرف توسعه مدارس و تعلیم اطفال نماید تا مصارف صورت خارجی پیدا کند .

وزیر مصارف - فرمایش آقای حاج میرزا مرتضی راجع به مسئله است اولاً راجع به مدارس بنده عرض می کنم آنچه چیزی که امروزه بمدارس کرمان داده میشود ربطی باین مبلغی که اشتب مذاکره میکنم ندارد این مبلغی که امروز صحبت میشود مزید بر آنچه تا بحال داده میشده خواهد بود .

مدارس کرمان هم دوی هم رفته آنطوریکه بنده مسبقاً حالتش از جاهای دیگر بالنسبه بهتر است راجع به بودجه اوقاف هم تصور میکنم مربوط باین نظریه که آقایان دارند نباشد زیرا بانظر مساعدت فوق العاده که آقایان نمایندگان بمسائل مصارف دارند مسئله اوقاف خیلی اهمیت دارد و بنده عقیقه ندارم بکلی مجزی شود .

زیرا در قانون اساسی مصارف باین مسئله خیلی اهمیت داده شده و تصور می کنم امروز این اظهار از روی مصارف خواهی نیست و عقیقه بنده اینست که مسئله اوقاف خود برای پیشرفت امور مصارف یک اسباب امیدواری است و شاید در آتیه بتوانیم از این راه متوجه بامور مصارف بشویم .

رئیس - آقای حائری زاده مخالف هستید

حائری زاده - بله

رئیس - بفرمائید

حائری زاده - اگر چه پیش از یک ساعت نیست که این رایزور کمیسیون بودجه را به بنده داده اند ولی در کلماتش عرایش خود را میکنم و در جزئیاتش هنوز فکری نکردم . چند جمله در این لایحه ذکر شده که به عقیقه بنده بر روی اساس صحیحی نیست یکی نسبت مخارج وزارتخانهها بمخارج مدارس است

کمیسیون بودجه یابند و نود هزار و کسری تومان بودجه کل مصارف اوقاف را معین کرده و پنجاه و پنج هزار تومان مخارج وزارتخانه را معین میکنند که تقریباً ده یک است در صورتیکه باید بیشتر از صد پنج مخارج وزارت خانه نباشد آنوقت صد و سی هزار تومان هم برای مصارف مصارف ایالات و ولایات تخصیص داده شده و پنجاه هزار تومان هم برای دوائر آن در حالیکه اساس وزارت مصارف برای تحصیل اطفال است وزارتخانه خود موضوعیتی ندارد وزارتخانه برای بکار انداختن مدارس نتیجه حاصل کردن از آنها است و چنانچه معتقد باصل بودجه وزارتخانه هم باشیم که پنجاه و پنج هزار تومان بودجه وزارتخانه معین شده دیگر هجده هزار تومان مخارج دوائر ولایات نباید باشد یکی هم تفاوت بودجه مرکز و ولایات است و اینکه آقای مخبر فرمودند امروز ملل عالم باید این حرفها را کنار بگذارند بنده نمی توانم قبول کنم زیرا عدم تناسب بودجه مرکز و ولایات را تعقیب می کنم اگر دولت بنظر نسای به عمل ملت ایران نگاه میکنیم بشکلی که مخارج مملکتی را عهده ملت ایران می پردازند همین شکلی که قشون را عهده ملت ایران به تناسب جمعیت خود حاضر کرده و فداکاری می نمایند وقتی هم که مصارف مالیات معین شد و بعضی تأسیسات از قبیل مدارس و مریضخانهها و عدلیه و غیره دائر گردید باید عهده مردم منتفع شوند بیست و نه کرو و جمعیت ولایات و یک کرو و جمعیت مرکز است اگر بودجه مصارف ولایات بیست و نه برابر بودجه مصارف مرکز نباشد اقلاً نصف مرکز که باشد خیلی جای تأسف است که ۲۴۴۸۲۴ تومان جمع کل مصارف مدارس مرکز است و ۱۴۸۴۴۰ تومان جمع کل مصارف مصارف ولایات خیلی جای تعجب است که بیست و نه کرو و جمعیت شریک نفرو ضرر بایک کرو و مردم مرکز باشند و در تمام مسائل کثر از اهالی مرکز قبول زحمات نکرده باشند ولی در چیز های مفیده از قبیل مدارس و مریضخانهها و غیره ثلث این یک کرو و منتفع شوند چون دولت تناسب را مراعات نکرده این مذاکرات تولید شده و از آنطرف در مرکز اشخاصی بوده اند که در این باب دادر و فریاد کرده اند حق السکوت بآنها داده شد و ولی از طرف ولایات کسی نبود داد و فریاد و آتاریک کند حق السکوت بولایات داده نشد به همین ترتیب مانده است بنابراین بنده باین اصل مخالفم و مقصود ما تحصیل عامه مردم هست چه شیرازی باشد چه کرمانی چه طهرانی زیرا نباید اهالی ولایات از انتفاع این تأسیسات محروم باشند .

برای مدارس شهر طهران از ابتدائی و متوسطه ۲۴۴۸۲۴ تومان تخصیص داده شده برای تمام ولایات ۱۴۰ هزار تومان و این خیلی بی تناسب است و علاوه خیلی چیزهای دیگر هم هست که در ولایات نیست مثلاً بیتوان گفت که چون عایدات مملکت هنوز وسعتی پیدا نکرده نمی توانیم در تمام ولایات مدارس عالی تأسیس کنیم ولی یک قدم اعانه است که بمدارس خارجه داده میشود آیا این مدارس خارجه مطیع پروگرام وزارت مصارف هستند یا خیر . اگر هستند خوب است بآنها کمک

شود ولی آنچه بنده می شنوم مطابق پروگرام وزارت مصارف عمل نمی کنند مثلاً مدرسه امریکائی از حیث تعادل و تحصیلات بهر چه مطیع پروگرام وزارت مصارف نیست و بنده اینرا به هیچ مناسبتی تصور نمی کنم که بمدارس که مطیع پروگرام وزارت مصارف نیستند اعانه داده شود و عیناً پیش از این عرضی ندارم

وزیر مصارف - گمان می کنم قسمت اول فرمایشات آقای حائری زاده را بنده قبلاً توضیح داده ام و تکرار مطالب نخواهد شد در مسئله بودجه مدارس هم عرض کردم باین سبب دیگر را برای ولایات فراهم کرد و عقیقه بنده این است که هر قدر مصارف در مرکز قری کند باطراف سرایت خواهد نمود و بودجه مرکز باید بطبع نسبت باطراف بیشتر باشد زیرا خیلی تأسیسات مصارفی است که باید ابتداء در مرکز دائر شود و بعد بسایر جاها سرایت کند این چیزی نیست که لازم باشد که زیاد باشد ولی در این قسمت آخر که راجع بکمک بمدارس خارجه بوده فرمودند البته مطیع وزارت مصارف هستند و اعانه که بآنها داده می شود بهر چه صلاح جوانان ایرانی است و خود ما از آنها استفاده می کنیم حالا اگر اسباب کار آنها فراهم تر است و البته خارجه را بهتر درس میدهند ضرری ندارد در هر حال کمکی که بآنها می کنیم خود ما منتفع می شویم .

رئیس - آقای مستشار السلطنه موافقت؟

مستشار السلطنه - بله

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد موافقت یا مخالف؟

حاج میرزا علی محمد - مخالفم

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا علی محمد - یک قسمت عایدات مملکت ما اختصاص بمصارف دارد از قبیل تومانی یک عباسی و خرواری یک قران و امثال آن در اینصورت این مبلغ را کم میدهند اگر حساب بکنیم تقریباً ۳۰۰ هزار تومان میشود

مخبر - چقدر؟

حاج میرزا علی محمد - تقریباً سیصد هزار تومان معین کرده اند

مخبر - خیر اینطور نیست

حاج میرزا علی محمد - گویا همینقدر باشد و قسمت بیشتر یعنی تقریباً چهار خمر این عایدات را ولایات می دهند و یک خمس آنرا مرکز و باید این نکته را ملاحظه کرد که پولی که از ولایات دریافت می شود نقل می کنند یعنی لااقل همان پولی که گرفته می شود در همان مجلس بمصارف مصارف برسد از این جهت بنده با آقای حائری زاده و سایر آقایان موافق می بینم تناسب منظور نشده این از یک وجهی که با آقایان موافق و با رایورت مخالفم . یکی دیگر اینکه در دو ماده رایورت مبلغی برای کمک به مصاصلین بی بضاعت می نویسد از طرف دولت پنجاه هزار تومان برای مصاصلین داخله نوشته شده و تقریباً سه هزار توان از این مبلغ را کمیسیون کسر کرده باین

ملاحظه که مصاصلین هستند که استطاعت دارند و استحقاق ندارند در صورتیکه خیلی ارجو انها تمهیل کرده اند و استطاعت ندارند تصدیقات خود را تمام کنند و وزارت مصارف باید یک کمک کثرتی بآنها بدهد و به عجله بنده پنجاه هزار تومان اقتدر زیاد نیست که سه هزار تومان از آن کسر شود و با وزارت دار و دو هزار و هشتصد تومان برسد و اما آنقسمتی که راجع بکمک بمصاصلین خارجه معین شده البته احتمالی می رود در میان مصاصلین خارجه اشخاص با استطاعتی باشند از قبیل پسرهای اشراف اگان و حکام ولایات و غیره و باید حقوق آنها حذف شود و باید پدر و مادرشان باشند ولی اشخاصی هستند که بضاعت و باید از طرف دولت کمک شود زیرا پدر و مادرشان نیستند و اینها را برای تکمیل علوم در خارجه نگاه میدارند و مجبور هستند با تحصیل ناقص آنها را مراجعت دهند یا بهای خود را گذارند باین وجه تصور میکنم نسبت باین اشخاص که استطاعت ندارند آن اصل مجری شود زیرا اگر این مبلغ حذف شود نتیجه این می شود که آنطور اشخاص بدون تحصیل نتیجه در خارج مانده تلف شوند یا در کارخانجات مشغول کارهای پست شوند

مخبر - آقای حاج میرزا علی محمد در خصوص مالیات و حقوقی که از ولایات گرفته میشود عرضی فرمودند و چون هر پولی و لوازمی که از مردم گرفته شود اگر از تصویب مجلس نگذشته باشد ما در این مجلس نمیتوانیم اسم مالیات بر روی آن بگذاریم باین ملاحظه منتظر نبودم همکار محترم این مسئله را متذکر شوند . ثانیاً مطابق صورتهای موجوده و جوئی که از مردم گرفته شده تقریباً با این صد و سی هزار تومان تعادل میکند ولی مطابق اطلاعاتی که در کمیسیون بودجه حاصل شد نصف بلکه ثلث این مبلغ هم عاید دولت نشده حالا اگر تفریط شده یا از مردم گرفته نشده این مربوط به بکارهای دیگر است که باید اصلاح شود ولی راجع باین دو رقم ۱۸۴۴۰ تومان صد و سی هزار تومان نظر کمیسیون این بود که دولت از مواند مملکتی برای مصارف مصارف بپردازد حالا اگر دولت صلاح بداند یک تحبیلاتی بهائی بشود البته پیشنهاد خواهد کرد و مجلس در صورت اقتضا تصویب خواهد نمود و اما آنقسمتی که راجع بحذف و کسر حقوق مصاصلین داخلی و خارجی فرمودند کمیسیون بودجه هم همین نظر نایبند محترم را تعقیب کرد و خواست ببیند این کمک ها از نقطه نظر استعفی و کمک بیک مصاصلینی که وسائل زندگی ندارند داده میشود یا بواسطه نظریات دیگری است پس از آنکه صورتهای جزه رسیدگی و مراجعه کرد راجع بمصاصلین داخله یک رقم دو هزار و هشتصد تومان بود که کمیسیون تصویب کرد و این اعتباری بود که وزارت مصارف داشت و بعضی از اشخاص که بی بضاعتی کمیخواستند در مدارس معانی ابتدائی بیرون و تحصیل کنند بواسطه آن اعتبار کمکی میکرد که از حیث اعانه راحت باشند این دو هزار و هشتصد تومان را کمیسیون بودجه تصویب کرد و یک راهشائی های دیگری هم شد که خوب است وزارت مصارف برای آتیه یا در ضمن

جریان بودجه در نظر بگیرد دوسه مدرسه شبانه روزی تأسیس کند که در آنجا اطفال بی بضاعت را ببرند علاوه بر مخارج تحصیل شام و نهار و لباس آنها را متحمل شوند این بیش پیش ها شده ولی اقلام دیگری که حذف شد مربوط باشخص بی بضاعت نبود بلکه راجع بیک قسمت اشخاص بود که با اینکه میتوانست اعانه اولاد خودشانرا تکفل کنند و مستخدم و داخل حقوق بگیرها هستند یا اگر هم نیستند دولت بخواهد به آنها این رعایت را بکند یک نوع شهریه یا اعانه بآنها بدهد باید با اسم دیگری بکند با این منافست از بودجه مصارف حذف شد چون دولت بایستی سعی در تأسیس مدارس معانی باید و تعلیمات معانی را در مملکت رواج بدهد و بواسطه که عرض کردم بکند مدارس شبانه روزی بطور معانی برای ایشام و فقراء تأسیس کند ولی این دیگر تکلیف دولت نیست که هر کس می خواهد تحصیل کند دولت یک حقوقی بآورد و بپردازد اگر دولت بخواهد اینکار را بکند گمان میکنم بودجه وزارت مصارف لایتنمی میشود زیرا هر کس بمناسبتی کمک خرجی میخواهد حالا اگر آقایان لازم بدانند و تقاضا کنند اسامی آنها را میخوانیم ولی رویه گرفته در کمیسیون بودجه چیزی که راجع بکمک معاش مصاصلین بی بضاعت باشد همین که هزار و هشتصد تومان بوده که ایفا گردید و باقی نظریاتی که با اسم و رسم به بعضی اشخاص داده می شده که قادر باعاش و تحصیل هستند و اگر هم نیستند و استحقاق دارند باید از نقطه نظریاتسیون و شهریه در موقع دیگری بآنها رعایت کند حذف شد و اما در مورد مصاصلین خارجه ممکن است دولت در یک موقعی تصمیم بگیرد و برای تکمیل تحصیلات عالی یک ترتیب اساسی اتخاذ کند که یکمده شاگرد که دوره ابتدائی و متوسطه را طی کرده باشند برای تکمیل تحصیلات بخارجه بفرستند و این بنظر من مرجح است مخصوصاً عده کم که میروند باید تحصیلات ننی نمایند ولی دو این خصوص باید اصول مرتبی اتخاذ شود اما ما که بصورت نگاه کردیم دیدیم سه چهار قلم حقوق با اسم ظاهر و معلوم برای یک اشخاص بدون استحقاق معین شده البته تصدیق میفرمائید وظیفه کمیسیون بودجه است آنرا حذف کند و شاید نسبت به بعضی هم حقیقتاً لازم باشد ولی باید در قسمت شهریه ها که به مجلس خواهد آمد و کمیسیون بودجه هم مشغول مطالبات در آن خواهد شد یک حقوق در حق آنها برقرار شود ولی این مسئله بر طبق بودجه مصارف نخواهد بود و اگر آقایان لازم بدانند بنده حاضر من اسامی آنها را بخوانم که خودشان مسبوق شوند

رئیس - آقای سید انبیرا موافقت؟

سید انبیرا - بله

رئیس - بفرمائید

سید انبیرا - گمان میکنم این مسئله را میخوانم عرض کنم فقط نظریات شخصی بنده نباشد بلکه مطابق نظریات تمام و کلاً و همکاران محترم من باشد آمل و آرزوی تمام نمایندگان این است که تحصیلات در مملکت اجباری و معانی باشد و گمان میکنم در

این مسئله مغالیه نباشد زیرا بایکانه وسیله حصول استقلال که لا ینقطع می بینیم این لغت از پشت کرسی خطابه با پر تاب میشود معارف است البته قشون هم یکی از وسائل استقلال است لکن قشون بی علم هیچ ببرد نمی خورد.

قشون بی علم که نداند وطن او چه چیز است استقلال خود را هم نمی فهمد و اساساً اسباب خرابی مملکت میشود پس باید سعی کنیم قشون ما با علم باشد و استقلال ما را حفظ کند اگر بخواهیم استقلال ما محفوظ بماند باید مدرسه داشته باشیم امروز صاف و ساده می توان گفت نامدارس بولی است مخصوص اطفال امیان است زیرا آنها می توانند شهریه بدهند آن فقیر بیچاره و عمله و کارگر که بقیه بدهند و فور دارد و تمام زندگانی ما بسته بوجود او است و در مطبوعه از برای حروف چینی کور می شود یا دیگری که صبح سحر بر میخیزد و از برای مانان تهیه میکند و ما در خواب ناز را ترک کرده ایم از کجا بچاهش را تربیت کند یک اجرتی ما می دهیم که قوت لا یموت است نه بدل ما بپردازد.

این شخص از کجا این پول را پیدا کند؟ ما تا وقتی مدارس مجانی نداشته باشیم همیشه معارف را منحصر به آقایان پولدار کرده ایم و آقایان پولدار بچه خود را در مدرسه می گذارند بدین قفله قفله قسمت عده از مملکت از ترقی محروم مانده اند البته آقایان در نظرشان هست و آن زمان استبداد بود و ناصر الدین شاه مدرسه منحصر به دارالفنون بود آنها مال شاهزادگان و خانواده های اعیان بودند اگر حساب بفرمایید صدی هشتاد از شاگردان دارالفنون شاهزاده پادشاه امیان هستند امروز هم می خواهیم امتیاز فضل داشته باشیم باز همان قسمت و همان طبقه استفاده نتوانند نمود.

آیا امروز در تمام مملکت یک بچه کارگر عله بیچاره روی کار آمده؟ خیر آن بدبخت بیچاره در آن زوایا بدون اینکه رعایت حفظ الصحه اش شده باشد مانده و ترقی نکرده مثل اینکه خدای نخواست از نوع بشر خارج است چرا خارج است؟ برای اینکه خیانت نمیکند و خادم واقعی است و شبانه روز کار میکند و چون بی صداست و هنوز می بچون خوش نبرده حقوق او را با مال نمیکشیم در دوره دوم می گفتیم باید حمایت رعایت دموکرات کارگر را کرد وقتی هم قانون انتخابات را از مجلس گذرانیدیم خواستیم طوری بشانیم که یک وکیل رنجبر و کارگر هم در اینجا باشد خوب است آقایان با ذره بین نگاه کنند و به بینند کدام یکی از ما رعیت و کارگر هستیم.

آیا یک وکیل کارگر که از جنس مو کلین خود باشد و صدمات او را دیده باشد در اینجا هست یا غیر خود بدیده هم که اینجا از طرف آنها حرف می زنم از آن نوع نیستیم و صکلا باید حفظ حقوق مملکت را بکنند.

همه ملاحظه میفرمایید که در دنیا همیشه معامله کارگر و کارفرما در کشاکش و زد و خورد است وقتی

بخواهند مالیات وضع کنند وقتی اکثریت و کلا با پارک دارها و میل دارها باشد مالیات برای پارک و میل در مجلس ما وضع نمی شود بجهت اینکه بر ضرر اکثریت یا اتفاق ما است اگر وقتی کسی خواست برای منافع آن بدبخت مدرسه باز کند تاسیس مدارس مجانی هیچوقت تصویب نمی شود زیرا طرفدارش کم است و هیچوقت بچه های کارگر بدبخت ترقی نمی کنند و همیشه متمولین می خواهند فقرا را در زیر اوامر خودشان نگاه دارند زیرا با کم هستند شاه هستند اعیان شاهزاده یا والی هستند یا بقول آقای زنجانی یک مملکت را یک شخص می دهند و نظر باینکه ایشان خان یا شاهزاده هستند در یک نقطه بزرگتر از یک مملکت اروپا فرمانفرما هستند باز هم کدامان است.

خداوند در قرآن می فرماید فال لجهنم هل (مثلث) از جهنم سؤال میکند سیر شدی میگویی هل من مزید یعنی سیر نشدم زیاد تر بدهید و بقول آقای زنجانی اگر از فلان آقا پرسند آقای فلان آذربایجان برای شما کافی است می گوید خدعه را هم اگر ممکن است تا قزوین و فلان حاضریه کنید تا من بروم بلی حضرت اشرف اقدس والی فلان ابالت لا ینقطع ببول جمع می کنند.

لا ینقطع ببول فوت وقت جیب خود را بر می کنند در اینصورت این بدبخت فقیر چطور میتواند حفظ حقوق خود را بکند اگر چه قانون انتخابات بصرفه فقراء وضع شده ولی مذهباً یک نفر وکیل رعایا و فقراء در این جا نیست این بیخنها حفظ حقوق خود را در کجا باید بکنند مگر حفظ حقوق فقراء مجلس است ولی اکنون جای آن فقیر خالی است پس حفظ حقوق موکلین بویل ماها است اگر خواستیم مصلای یک گانه را به کارگر حرف بزنیم و اگر نخواستیم آن بیچاره حرف بچین و بقال و حمال نه مدرسه میخواهد نه تحصیل نموده و نوزادش جزو بشر نیست.

بنده میخواهم ببینم در این لایحه برای آن بدبختها چه فکری شده چه از اول تا بحال راجع معارف صحبت شد گوش کردم تمام صحبت ها در این است که بودجه مگر و ولایات متناسب نیست ولی هیچکس صحبت نمی کند که در مرکز پادرو ولایات مدرسه ای که فقراء از آن استفاده کنند کجا است؟ آنها که متولند و سوار انوسیل میشوند می توانند بچه هاشان را به اروپا بفرستند چنانکه می فرستند و برای بچه خود در طهران میتوانند هزار رقم خرج کنند چنانکه میکنند مدرسه هم که باز می شود باز برای آنرا است.

بنده مخالف نیستم که مدرسه برای آنها باشد ولی برای فقراء بدبخت هم باید فکری کرد یک شیء هر ض کردم حکومت مذهب قانون تمام برای حفظ حقوق فقراء است والا اشخاص بزرگ حقشان را حفظی کنند روح قوانین آسمانی هم برای حفظ و حمایت مظلوم است چنانچه هیچ در قرآن حمایت قوم ظالم نیست همه جا می فرماید لغت الله علی القوم

الظالمین یک ثلث قرآن بد گوئی ظالمان است و تمام این تشکیلات که در دنیا هست خواه مذهب یا خواه قانوناً اساسش نه عقیده بنده (یا بقول آقایان به فتوای بنده اما چون فتوی راجع بمسائل شرعی است بنده عرض می کنم بقیه بنده باید بصرفه فقراء و ضعیفا باشد و اگر یک قانون بر ضرر زیردستان دیده شد معقلاً غلط و بی اساس و بی فایده است حالا می آیم سر مدرسه آقایان از ولایات گفتگو میکنند بنده مکررمی گویم ای کاش میفرمودند مدارس طهران هم کم است زیرا برای جمعیت طهران این مقدار مدرسه کم است (حاج شیخ اسدالله همه همینطور گفتند)

سالمهان میرزا البته همینطور فرمودند نظر هیچکدام از آقایان این نیست که از بودجه معارف طهران کم بشود بلکه نظر آقایان مطلقاً همین است که در تمام نقاط چند قدم بطرف تحصیل اجباری مجانی برداریم.

تا بکروزی آن بچه فقیر کارگر هم محترم باشد نه اینکه اگر آقا زاده وارد خانه من شد لباسش نواست بنده تاز بپوش خانه استقبالش بروم اما اگر بیچاره فقیر بود توی اطراف راهش ندیم مثل اینکه تنگ من است در صورتیکه این بیچاره مذهباً نژاداً اخلاقاً نوع من است و بهتر از آن شخص متمول است زیرا ضررش نه به مملکت و نه بجای دیگر وارد می آید و هیچوقت نخواست است مملکت را مالک شود و از هر جهت فقیر است بی غیرس می فرماید اناسکین جالس الساکین هیچوقت نفرموده اند اعیان جالس الاعیان که ندانم جمع اعیان چه میشود.

حقوق این بیچاره مسکین و فقیر مطابق این مشقه مذهبی هیچ رعایت نمیشود و همانطور که عرض کردم از درب کوچه هم راهش نمیدهند همینطور امروزه از باب مدرسه هم فقراء ظلم میشود بنده از آقایان تقاضا می کنم که یا در مرکز یا در ولایات قدری به مدارس فقراء بیافزایند در دوره دوم در یازده سال قبل مجلس رأی داد که پنج باب مدرسه ابتدائی در طهران باز شود که سالی هزار و دویست و پنجاه تومان مخارج او باشد و مبلغی بر مدارس طهران افزونند در ولایات که شراز و تبریز و مشهد و کرمان باشند هر کدام یک مدرسه ابتدائی ماهی دویست تومان ماهی هشتصد تومان بودجه پیدا کرد آیا ما در دوره چهارم چقدر می خواهیم به معارفمان اضافه کنیم؟ پس از گفتگو صحبت های گذشته و حواله فقط اصلاحی که شده از بودجه مدارس کم نشده ولی چیزی که هست اضافه هم نشده بدبختانه یا خوش بختانه نظام نامه داخلی هم اجازه پیشنهاد اضافه کردن بنده نمیدهد که بنده پیشنهاد کنم فلان مبلغ بر بودجه معارف بیفزایند ولی آقای مغیر یک چیزی راجع بوضع مالیات فرمودند که بنده هم موافقم فقط یک مختصر اختلافی هست و آن این است که باید مجلس یک مالیاتی وضع کند اما بر متوالین.

نصرت الدوله بنده هم همینطور گفتم سالمهان میرزا بسیار خوب پس با یکدیگر

هم عقیده هستیم که یک مالیاتی بر پولدار ها بیندیم البته هیئت دولت هم موافقت خواهند کرد که از آنها می که پول دارند بگیریم و خرج فقراء بکنیم چون مطابق انصاف نیست که آنها صرف تحمل خودشان بکنند و شرعاً هم رد مظالم است که از آنها بگیرند و فقراء بدهند ذکرة هم مال فقراء است والا آنکه صد هزار تومان دارد هیچ محتاج نیست که ده هزار تومان هم از رعیت بدبخت بگیرد که صد و ده هزار تومان داشته باشد و بعد از آنکه مرد بچه هایش ما بین شان اختلاف حاصل شود.

پس خراب است حالا که شاهزاده نصرت الدوله هم باینده موافق هستند باینهم و یک لایحه پیشنهاد کنیم (سایرین هم البته موافق هستند) که در آن لایحه مالیاتی برقرار کنیم و تمام آن مالیات هم تحصیل بر متوالین و اشخاص خیلی متول مملکت بشود و کلیه عایدی آن صرف تاسیس مدارس مجانی برای فقراء بشود بلی بنده هم موافق هستم که پولدارها هم باید تحصیل کنند و ترقی نمایند ولی چون وسائل تحصیل همه قسم برای آنها فراهم است باید بفقراء بیشتر اهمیت داد و آنها را داخل کار نمود زیرا از طرفی بنده متقدمم که بایستی کم کم فقراء را بالا آورد و ترقی داد آنها هم حق دارند در این مجلس بنشینند و رأی بدهند پس بنا بر این باید این مالیات را از متوالین دریافت داشته و صرف تحصیل فقراء نمود و طوری باشد که در این مدارس فقط اطفال فقراء پذیرفته شوند تا ما هم در دوره چهارم مطابق قسمی که یاد نمودیم حفظ حقوق مجلس و مجلسیان را نموده و بوظیفه واقعی خودمان که ترقی معارف مملکت باشد عمل نموده باشیم.

اما راجع به فرمایشی که آقای حاج میرزا علی معصود دولت آبادی فرمودند که در بودجه پیشنهادی وزارت معارف مبلغ (۵۰۳۰) تومان برای کمک معاش به معصیلین بی بضاعت پیش بینی شده و چون مبلغی از آن کسر شده این مقدار کفایت نمیکند صبح است ولی ممکن است در مملکت ما باز اغنیاء بمشوق فقرا با توصیه و توسطه از این مبلغ استفاده نمایند چنانکه من هم که وکیل هستم و ماهی دویست تومان حقوق میگیرم و عنوانم حضرت والا است اگر یک برادر زاده داشته باشم او را با هزار توصیه و توسطه بدیر مدرسه مجانی می سپارم که مجاناً در آنجا تحصیل نماید ولی اگر یک قدری دقت کنیم این نوع کارها (اگرچه عبارتش بسیار تهمت است) یک قسم دزدی و سرقتی است که از حقوق فقرا میشود زیرا اگر من که وسیله تربیت اولاد را دارم او را بدیر مدرسه مجانی که از برای فقراء تاسیس شده بفرستم از حق فقیر دیگری دزدی نموده ام باری یک قسمت از این مبلغ پیشنهادی وزارت معارف را که بیسیون بودجه حذف نموده و بنده از یک نقطه نظری حذف قسمتی از آنان با کم بیسیون بودجه موافقم زیرا شاید یک قسمت زیادی از آن بعنوان مدر معاش با اشخاص داده میشود است که ایداً احتیاج بآن نداشته اند ولی از نقطه نظر دیگری مخالفم و جهت آن این است که لازم تر بسین این پول بفقراء

این نیست که ما آن را از بودجه حذف کنیم مگر در مملکت ما فقیر نیست؟ ممکن است این مبلغ را بسایر اطفال فقراء بپردازند و این (۲۳۲۰) تومان را که کم بیسیون بودجه حذف نموده تصویب نمایند که با اطفال فقراء داده شود تا باندازه دوهزار تومان فقرا بیش بروند و ترقی کنند.

و چون بدبختانه در این موقع نیز نظامنامه داخلی مانع از این است که بنده پیشنهاد نمایم این مبلغ ۲۳۲۰ تومان اضافه شود و تمام (۵۰۳۰) تومان را تصویب نمایند که برای کمک معاش معصیلین بی بضاعت مصرف گردد بنده کاملاً جستجو نمودم به بینم ماده دیگری هست که بطریق دیگری راجع می پیدا شود خوشوقانه ماده ۹۹ می گوید در مسائل و موادی که متعلق بر فقرات مختلفه است اگر تجزیه آن ولواز طرف یک نفر نمایند خواسته شود باید آن ماده با مسئله تقسیم شده و جزء بجزء رأی گرفته شود ولی پس از آنکه در جزو آخر رأی گرفته شده مجبوراً باید در مجموع قسمت هائی که قبول شده است رأی گرفته شود.

بنا بر این بنده در نزد خود راه حل این قضیه را باین طریق فکر نموده ام برای اینکه بتوانیم این مبلغ (۲۳۲۰) تومان را بعنوان کمک و مدد معاش به فقراء تخصیص بدیم این ضرر خیال کردم که بموجب همین ماده در موقع اخذ رأی نسبت به بودجه معارف از آقای رئیس درخواست کنم که این ماده را جزء بجزء نموده و در هر یک جدا گانه رأی گرفته شود و موقعی که باین قسمت رسید عاید آقایان هم همراهی نمایند که به پیشنهاد کم بیسیون بودجه رأی بدیم و بعد از آنکه پیشنهاد کم بیسیون بودجه رد شد طبعاً پیشنهاد دولت تصویب خواهد شد و بالتبعیه تمام ۵۰۳۰ تومان برای تحصیل فقراء تخصیص داده خواهد شد.

رئیس — آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی و آقای نظام الدوله مخالفند؟
نظام الدوله — بنده در یک قسمت توضیحی می خواهم

رئیس — آقای تدین مخالفند؟
قدین — بلی بنده مخالفم
رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله موافقت
حاجی شیخ اسدالله — بلی موافقم
رئیس — بفرمائید.

حاجی شیخ اسدالله — یک سلسله مذاکراتی در اطراف بودجه معارف تا بحال از طرف هر یک از نمایندگان ایراد شده و هر یک از آقایان یک فرمایشی فرمودند که تمام صحیح و متین بود یکی از آقایان فرمودند باید یک مالیاتی بر سرمایه و دارائی اشخاص بسته شود و عایدات آن صرف تعلیمات عمومی و مجانی فقراء گردد بنده هم با این مسئله مخالفم چنانکه اگر

قانون شروع مذهب هم اجرا شده بود این کار کلاً مراعات شده بود زیرا از برای زراعت برای منافع تجارت و بالاخره برای تمام منافع حقوقی برقرار نموده و متأسفانه بهیچ یک از آنها عمل نمی شود و در بونه اجمال مانده باری بنده با راپورت کم بیسیون بودجه قسمت های صده این راپورت رأی داده ام ولی فعلاً برای اینکه موکلین بنده هم از بنده خوشوقت شوند لازم می دانم موافقت خود را با این راپورت بعرض نمایند کان محترم برسانم

راجع به قسمتی که در خصوص عدم مراعات تناسب بین مرکز و ولایات مذاکره شده بنده هم موافقم و عرض می کنم که نسبت با مالیات سایر ولایات و خصوصاً نسبت بزازین و آقین که برخلاف عقیده شاهزاده سلیمان میرزا بنده یکی از آنها هستم و متأسفانه بطهران آمدیم و ساکن مرکز شده چرا این ظلم شده؟ برای تسامع و غفلت و سهل انگاری سابقین که هر وقت میخواستند یک تأسیسات عمومی بشانند فقط نقطه نظرشان بر مرکز بوده بلی بنده هم معتقد هستم که مرکز یک تخصیصات از قبیل دارالفنون و ادارات و وزارت خانه ها بایستی داشته باشد ولی تأسیسات عمومی همان معارف است و قسمت عده معارف هم تحصیل زبان فارسی است.

ما فقط می خواهیم اهالی ولایات زبان فارسی را بنویسند و بخوانند و بفهمند ولی بدبختانه هر موقع که تأسیس مدرسه نموده اند فقط هشتاد و نه مصروف به این بود که در تهران مدارس زیاد موجود باشد تصدیق می فرمایید که اهالی تهران نسبت با مالیات قراء و قضیات و ایالات بیشتر قادر باین هستند که اطفال خودشان را بر سرمایه خودشان به تحصیل بگذارند معدنک هر وقت بفکر توسعه معارف افتاده اند منحصراً بطهران موده و ولایات بکلی فراموش شده اند

البته آقایان هم با من هم عقیده هستند که بایستی تمام ملت ایران بیدار بشوند و در دهات و قضیات دهاقینی که اداره مملکت بطویل خود آنها میگردد بیدار شوند و حقوق خود بی ببرند چون ممکن است بگویند برای اینکه تمام سرمایه داران در تهران اجتماع نموده اند وقتی هم که تأسیسات عمومی بایستی بشود آنها تخصیص به خود میدهند و سایر ولایات بکلی از این نعمت محرومند.

این بود که کم بیسیون بودجه یکصد و چهل هزار تومان و کسری برای تأسیس مدارس در ولایات تصویب نمود و گفتیم که بایستی از اصل مالیات این مبلغ برای مدارس تخصیص داده شود و اگر درست دقت نمایم خواهیم دید که این مقدار نسبت ببودجه سابق نسبتاً خیلی زیادتر بود و ممکن است مدارس ناقصی که امروز موجود است تکمیل شود و اما راجع باینکه آقای وزیر معارف فرمودند فعلاً بیش از این وسائل توسعه معارف در دهات و قراء و قضیات و ولایات

موجود نیست بنده خیلی تعجب می کنم مثل این است که ایشان تصور فرمودند برای تدریس زبان فارسی و تحصیلات ابتدائی يك کارخانه لازم است تأسیس شود خوب است آقای وزیر معارف بدانند که موکلین ما فعلاً در قراء و قصبات بیش از تحصیل زبان فارسی چیزی نمی خواهند و ممکن است در هر يك مكتب خانه نه مدرسه باز کنند و چند نفر که سواد فارسی داشته باشند آنجا بنشینند که اطفال قراء و رها را راندند و سال درس فارسی بدهند و هینقدر آنها را زبان و خط خودشان آشنا نمایند و گمان می کنم این ترتیب يك مشکلاتی برای دولت ایجاد نکند فقط چیزی که ما در کمیسیون بودجه فهمیدیم و خود آقای وزیر معارف هم تصدیق کردند این بود که سابق بر این يك بودجه مرتبی برای مدارس ولایات موجود نبوده و حالیه باین بودجه عجالتاً می توانیم در هر شهری چند مدرسه ابتدائی و برای خاطر حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا برای قراء تأسیس نمایم و فعلاً هم این مقدار کافی است و اگر می خواستیم مثلاً سه چهارم بیون برای معارف تخصیص بدهیم اولاً بواسطه کمی عایدات ممکن نبود و ثانیاً خود وزارت معارف اظهار عجز می کرد که نمی شود يك مرتبه باین نسبت در تمام ایران مدرسه تأسیس نمود و لکن با بودجه مصوبه کمیسیون بودجه ممکن است در هر يك از ایالات و ولایات و در بعضی قراء و قصبات شروع تأسیس مدرسه نمایند و تأسیس مدرسه هم در قراء و قصبات چندین اشکالی ندارد زیرا فقط يك یا دو معلم در يك معلى می نشینند و اطفال قراء و رها را جمع آوری نموده به آنها زبان ملی خودشان را می آموزند تا آنها هینقدر بتوانند زبان فارسی را بنویسند و بخوانند و این هم اشکالی نخواهد داشت تا شاید انشاء الله بعداً بتوانیم در تمام قراء و قصبات مدارس ابتدائی با کلاسهای مرتب مطابق پرگرام رسمی وزارت معارف تأسیس نمایم و لکن حالیه وزارت معارف باید بدانند که با این بودجه فعلی می تواند در اغلب قصبات يك مكاتب مختصری تأسیس نماید

ولی البته باید مراعات حفظ الصحه در آنجاها كدام بشود بنابرین مقدمات بنده دیگر فرمایش حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا را که میفرمایند در این بودجه رعایت حال قراء و ضعا نشده هر چه فكر می کنم نمی فهمم زیرا بنده نمی دانم اگر باین ترتیب رعایت حال قراء نشده باشد به چه ترتیب خواهد شد ؟

اگرچه نقطه نظر بنده نسبت بشمار اهالی مملکت است ولی نقطه نظر خصوصی من به موکلین خود با اهالی ولایات است .

اگرچه شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند ما وکیل تمام ملت ایران هستیم ولی بنده عرض میکنم باین حال اقلاً ما باید يك قدری هم منافع موکلین خود را در نظر بگیریم و عقیده بنده این است که موکلین ما در قراء و قصبات (اضافه از اهالی) تهران هستند بنابرین بایستی بیشتر از اهالی طهران از آنها حمایت

نمود . حضرت والا همیشه میفرمایند مراعات حال قراء نشده بنده نمیدانم بطور باید مراعات حال قراء طهران بشود آیا مدارس مجانی در طهران تأسیس نشده است؟ بلی اگر میفرمایند اهالی را مجبور نمایند که اولاد خودشانرا بمدارس بفرستند بنده هم باشا موافقم ولی آنهم عملیانی لازم دارد و باین حال در این شهر جلو گیری از تحصیل قراء نشده بلکه دولت تمام مدارس ابتدائی را مجانی نموده است و بعلاوه مقداری مدارس متوسطه تأسیس نموده در این شهر سی و دو بابا بیشتر مدرسه ابتدائی مجانی تأسیس شده و اگر مراجعه به آن مدارس بفرمایند ملاحظه خواهید نمود که هنوز بقدر کفایت شاگرد ندارد مثلاً طفل خود بنده مدرسه که می رود بنده تحقیق نموده در آن مدرسه بقدر کافی شاگرد ندارد

بنابر این بنده با آن قسمتی که فرمودند اجباری باشد موافقم و باید وسائل تهیه نمود که تحصیلات اجباری باشد

ولی با قسمتی که فرمودند رعایت حال قراء نشده بنده بکلی مخالفم زیرا در هیچ جای دنیا مرسوم نیست دولت بودجه مدارس متوسطه را بپردازد در صورتیکه مادر کمیسیون تصویب نمودیم بعضی از مدارس متوسطه هم مجانی باشد حالا باید دید علاوه بر این برای رعایت حال قراء طهران چه اقدامی باید کرد؟ خوب است حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا همانطور که اظهار غم خواری و دل سوژی برای قراء طهران میفرمایند بقراء سایر ولایات هم توجهی بفرمایند زیرا اطفال ولایات خیلی مظلوم تراز اطفال طهران هستند و همان طور که عرض کردم تمام ادارات این مملکت از یرتو وجود زارع اداره میشود اگر زارع نداشته باشیم هیچ نخواهیم داشت زیرا کار خانه نداریم مدام ما هنوز در زیر خاک مستور مانده .

بنابر این باید عطف توجهی بحال آن زارع بفرمایند که حیوة مادر دست اوست شما همیشه میفرمایند ای بینوانان طهران ای قراء طهران در صورتیکه تمام اهالی ایران فقیر هستند و باید مراعات آنها هم بشود آنها هم متكب خانه لازم دارند این است که بنده نظریات بعضی از آقایان را تأیید میکنم که در این بودجه ابتدا تناسب باین بودجه معارف طهران و سایر ولایات ملحوظ نشده و این بودجه هم که برای ولایات تصویب شده از روی اضطرار بوده و قدم ابتدائی بوده که در راه معارف برداشته شده و بیش از این ممکن نبود در قراء و قصبات مدرسه تأسیس شود ولی باین حال و با وجود عدم رعایت تناسب بین بودجه معارف طهران و ولایات کمیسیون بودجه از بودجه معارف طهران چیزی کسر ننموده و بحال خود باقی گذارد تا روزنامه نویسمانرا تنقید ننمایند و نگویید اعضاء کمیسیون بودجه ارتجاعي هستند و نمی خواهند حقوق معلمین را تصویب نمایند بنابر این ما هم تمام بودجه مرکز را تصویب کردیم اما باید بحال معارف ایالات و ولایات هم ترحمی نمود و انشاء الله در بودجه

آینده همان طور که اینجا مذاکره شد بعد از آن که صورت جزع عایدات به مجلس آمد و دیدیم عایدات آن از عایدات سته بیچی ثیل زیادتر است بعد از تبدیل بودجه و بنده وسایر آقایان پیشنهاد خواهیم کرد که هر چه زیادی آمد و هر چه پس از مخارج ضروری مملکت توانستیم پول تهیه کنیم صرف معارف بشود و نیز تصدیق می کنیم که تمام معارف بسط پیدا نمایند مردم بی بختی خود نخواهند برد و البته هر کس تاریخ نخواند آنطوریکه باید بوظیفه وطن خواهی و دیانت خودش عمل نخواهد نمود زیرا کوراست لال است زبان ندارد گوش ندارد چشم ندارد و بنده امیدوارم عایدات مملکت همانطور که پیش خود تصور نموده ام زیادتر شود و بطوری که آقای رئیس الوزرا هم فرمودند صورت جزء بودجه مملکتی را که به مجلس آوردند زیادی عایدات را بعد از وضع مخارج ضروری مملکت بصرف معارف میرسانیم و اما راجع قسمتی که فرمودید مالیات بر سرمایه وضع شود جواب عرض کردم و چون تشریف نداشتید تکرار میکنم که شارع مقدس هم بمنافع تجارت و فلاح و مسكوكات و بالاخره به تمام آن چیزهایی که عنوان سرمایه دارد مالیات وضع نموده . حالا بنده هم موافقم که يك مالیاتی برای سرمایه وضع شود و انشاء الله بنظر بنده تصویب خواهیم کرد و امیدوارم قوانین مذهبی ما كاملاً اجراء شود و اگر مالیاتی بر سرمایه وضع شود کلیتاً با عایدات آن بمعارف عمومی خصوصاً مسئله مدارس و معارف ابتدائی و مجانی برسد

سلیمان میرزا - بنده توضیحی دارم

رئیس - بفرمایند

سلیمان میرزا - بنده گمان میکنم در ضمن مرایضم قراء را معدود بقراء تهران نکرده ام بنده مکرر گفته ام که از برای بنده هیچك از افراد مسلمان و ایرانی با هم هم تفاوتی ندارند فقیر سایر جاها برای بنده فرقی ندارد فقیر است زحمتکش زحمتکش است و كاملاً با عیاری که در روزنامهها بنویسد تمام رنجها باید مدرسه داشته باشند موافقم بنده اسم طهران با جاهای دیگر را نبرده ام اگر هم گفته شده شده اشتباه بوده و سوء تفاهم از برای آقای حاج شیخ اسدالله حاصل شده و با وجود اینکه ظاهراً وکیل طهران مستم عقیده ام این است همانطوریکه قراء طهران باید تحصیل نمایند قراء کلبه ولایات نیز باید از نعمت معارف بهره مند بوده و تمام اطفال ایرانی خصوصاً قراء در مدارس فارغ التحصیل شوند

مخیر - بنظر این مسئله وظیفه مغیری کمیسیون بنده را الزام میکند که تمام معانی خود را مصروف بدفاع از رایورت کمیسیون بودجه صرف نمایم باین واسطه وقتی که در اطراف این موضوع مذاکره می شود اگرچه رابطه مستقیم با اصل مطلب ندارد مصلحتاً بنده سعی می کنم در زمینه این ماده توافق نظر حاصل شده و زودتر تصویب گردد

قسمتی را که حضرت والا فرمودند و بنده تمام مجلس با آن موافقم مسئله مالیات بر سرمایه است که بنده عرض کردم و ایشان هم تکرار فرمودند که مالیات

بر سرمایه وضع شود و در این خصوص کسی مخالف نیست .

قسمت دیگر راجع به ۵۰۲۰ تومان است که ایشان فرمودند خوب است مجلس از این مبلغ کسر نموده و پیشنهاد دولت رای بدهد در این موقع میخواهم يك دفعه اشتباهی کرده باشم و آن این است که اگر آن نظریه را که حضرت والا دارند در موضوع این پیشنهاد ملحوظ میشد کمیسیون بودجه هم موافق بود و از آن کسر نمیشود و همانطور که میفرمایند اگر این مبلغ بعنوان مدد معاش و کمک با اطفال قراء داده میشد البته کمیسیون بودجه از کسر آن مرتكب ضروری شده بود ولی ایشان باید بدانند که فقط (۲۷۰۰) تومان از این مبلغ بصرف کمک معاش محصلین بی بضاعت میرسد و باقی یعنی (۲۳۳۰) تومان دیگر به وجه تصویب نامه های علیحده با ضامن داده میشده که ابتدا احتیاج نداشته و شخصاً میتوانستند متكفل مخارج تحصیل اولادشان باشند

بنابرین عقیده بنده اگر بخواهد نظامنامه داخلی متشبه شود و در موقع اخذ رای نسبت باین ماده رای ندهیم و مجبوراً پیشنهاد دولت تصویب شود در واقع همان تصویب نامه را بقت قبول نموده ایم و در این صورت نظریه حضرت والا كاملاً برخلاف اجرا خواهد شد ولی ممکن است فعلاً پیشنهاد کمیسیون بودجه را تصویب نمود و بعداً دیگری برای این کار فكر کرد و بنابرین حضرت والا را متذکر می کنم باین نکته که بهترین طریق برای کمک به محصلین فقیر و بی بضاعت تأسیس مدارس شبانه روزی است که ما باید وزارت معارف را مجبور کنیم هر چه زودتر این مؤسسه عام المنفعه را تأسیس نماید و این قضیه خیلی بهتر از این خواهد بود که ما ۵۰۰ تومان را تصویب نمایم که وزارت معارف بهر طغلی که بنظرش فقیر و بی بضاعت آمده سه یا چهار قران بدهد و گمان می کنم دولت هم حاضر باشد در این خصوص پیشنهادی نماید بنابرین خواهش می کنم از مسئله تجزیه و تفكيك که اسباب طول مدت می شود و بالاخره بهمان حالت اولیه عودت می کند صرف نظر فرمایند .

رئیس - هنده هیجده نفر اجازه خواسته اند بعلاوه پیشنهاداتی زیادی هم رسیده در صورتیکه مدتی از شب گذشته است

اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکره بجلسه آینده معول شود

جلسه آینده پس فردا یکساعت بطور مانه و دستور بقیه مذاکرات در رایورت کمیسیون بودجه خواهد بود

حاج شیخ اسدالله - بنده پیشنهاد می کنم دو ساعت بطور معین شود

شیخ اسلام اصفهانی - البته در صورتی که آقایان زودتر تشریف بیاورند خوب است دو ساعت بطور معین گردد

رئیس الوزرا - در جلسه گذشته آقای آقا سید محمد تقی طباطبائی راجع باعانه ارومیه از

بنده سؤالاتی فرمودند و من هم وعده دادم در این جلسه شرح آن را عرض کنم اینك صورتی از آن حاضر است قرائت میشود

محاصل عایدات اعانه ۱۱۲۱۷۰ تومان
مخارج ارسالی ارومیه ۳۸۱۸۱
ارسالی به تبریز برای ارومیه ۱۸۰۰۰
قرض به مهاجرین گیلان ۱۰۰۰۰
مخارج متفرقه ۲۲۰
برای مهاجرین ارومیه و طهران ۱۰۰۰
جمع کلیه مخارج ۶۷۴۰۱

باقی که جزء موجودی محسوب است (۴۴۶۸۰) تومان که (۴۴۶۶۴) تومان آن در تجارتخانه طومانیان و ۱۰۳ تومان در بانک هاشمی موجود است .

رئیس - آقایانی که معتقدند جلسه دو ساعت قبل از غروب تشکیل گردد قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - جلسه آینه روز شنبه دو ساعت قبل از غروب و دستور آن اولاً بقیه شور در رایورت کمیسیون بودجه و ثانیاً قانون تفرغ بودجه مجلس راجع به سته توشقان ثیل و پنج سال دوره فترت .

(مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه شصت و شش
صورت مشروح مجلس يوم شنبه
نهم جمادی الاولی ۱۳۴۰
مطابق هیجدهم دلو ۱۳۴۰

مجلس یکساعت قبل از غروب بریاست آقای - مؤتمن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس يوم پنجشنبه سیزدهم دلو را آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده بکلی مخالف با اعانه دادن بمدارس خارجه نبودم مرض کردم اگر طبع پروگرام وزارت معارف هستی علت ندارد بآنها اعانه داده شود

رئیس - آقای نظام الدوله (اجازه)

نظام الدوله - آقای سید الملك را در صورت مجلس غائب بدون اجازه نوشته اند در صورتیکه آن روز موقعی که بنده بمجلس می آمدم آقای سدید الملك را در راه دیدم دندانان درد می کرد و به دندان سازی می رفتند بیند فرمودند اطلاع بدهم و بنده فراموش کردم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده و آقای آقا میرزا -

ابراهیم قی و حائری زاده را در صورت مجلس در يك ردیف مخالف با وزارت فوائد عامه نوشته اند در صورتیکه بنده مخالف با اصل وزارتخانه نبودم فقط آقایان حائری زاده و آقا میرزا ابراهیم قی مخالف بودند بنده عرض کردم که وزارت فوائد عامه خیلی لازم است ولی با طرز اداره کردن آن مخالفم در این صورت اگر ما سه نفر را در يك ردیف قرار بدهند بنده صحیح نمی دانم و باید اصلاح شود

رئیس - دیگر اعتراضی نیست ؟ (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس باین سه فقره اصلاح تصویب شد رایورت شعب سوم راجع باعتبار نامه آقای حاج مخیر السلطنه جزء دستور است ولی جمعی از آقایان تمنا کرده اند که از دستور خارج شود تا ضمیمه قرائت می شود بعد رای میگیریم (آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)

مقام منبع دراست مجلس شورای ملی دامت شوکته العالی

نظر باینکه با اوضاع کنونی آذربایجان مذاکره در باب اعتبارنامه آقای حاج مخیر السلطنه و مخالفت آقایان نمایندگان با آن برخلاف مقتضیات و اطلاعات است امضاء کنندگان ذیل استدعا دارند اعتبار نامه مزبور از دستور امروز خارج فرموده و پس از این که با اوضاع فعلی آذربایجان ترتیبی داده شده مطرح فرمایند

پانزدهم دلو ۱۳۴۰

تدین - با امضاء هنده نفر است

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - اگر مقصود از مخالفت آقایان نمایندگان فقط مخالفت آقای آقا سید یعقوب است که بنده عرضی ندارم ولی اگر مرادشان این است که مخالفین زیاد ترند یعنی نمایندگان در موضوع نمایندگی آقای حاج مخیر السلطنه یکدسته موافقت دارند و دسته دیگر مخالفت دارند بنده عرض می کنم که همه موافقین و مخالفین هنوز معلوم نشده و از ظاهر عبارت این پیشنهاد چنین مفهوم میشود که همه مخالفین و موافقین هنوز معلوم و معین است و حال آنکه معلوم نیست غیر از آقای آقا سید یعقوب دیگری مخالف داشته باشد

رئیس - آقای نظام الدوله (اجازه نطق)

نظام الدوله - بنده اصلاً عقیده ام این است که به چه چه این مذاکرات جریان پیدا نکند بجهت اینکه ممکن است یکدسته بعضی مطالب داشته باشند که حالا مقتضی نباشد اظهار کنند لذا گمان می کنم همانطوریکه پیشنهاد شده بهتر این است از دستور خارج شود

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا - در این پیشنهاد يك جمله نوشته شده که بنده معنی آنرا خوب تلفظ نشدم و

اگر ممکن است یکی از آقایان توضیح بدهند در پیشنهاد نوشته اند که چون مخالفت با اعتبارنامه ایشان برخلاف مقتضیات وقت و اوضاع فعلی است (بنده نمی فهمم مخالفت با اعتبارنامه يك و كیل چه ربطی با اوضاع فعلی و مقتضیات وقت دارد اگر مدرک این پیشنهاد همین است که ذکر کرده اند بنده نمی پسندم زیرا همیشه نمی توانیم در هر مطلبی اظهار عقیده کنیم ولی اگر مطلب دیگری است که بنده نپذیرم والا البته هر نماینده می تواند تقاضا کند يك مطلبی از دستور خارج شود یا يك مطلبی جزء دستور شود.

رئیس - آقای فهمیم الملك (اجازه نطق)

فهمیم الملك - مقصود این نه بوده است که دلیل مخالفت را مقتضیات وقت قرار دهند بلکه مقصود این بوده است که مخالفت با آن اعتبارنامه صحیح نیست و یکی از دلایل تمویق را خواستند مقتضیات وقت قرار دهند بنابراین تقاضا شده است که عجلتاً رسیدگی به اعتبارنامه ایشان از دستور خارج و موکول به بعد شود.

رئیس - نسبت به این تقاضا نامه رأی می گیریم آقایانی که تصویب می کنند اعتبارنامه آقای حاج میرزا آقا سیدسلطان عجلتاً از دستور خارج شود - قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رایزنی است از شنبه ششم راجع به شایستگی آقای حاج میرزا عبدالوهاب از همدان (آقای آقا سید یعقوب احضار برای قرائت رایزورت)

رایزورت مزبور را (آقای آقا سید یعقوب بشرح ذیل قرائت نمودند

شرح جریان انتخابات شهر همدان و اسد آباد و حوزهای تابعه یعنی هست که به عرض مجلس مقدس میرسانم.

در تاریخ ۲۲ شهری حجة الحرام ۱۳۳۰ بر حسب امر صادره از مرکز حکومت همدان جمعی از معتمدین اهالی را برای انتخابات دوفتخار نماینده دار - الحکومت دعوت می نماید و امر مرکز را با اهالی تبلیغ و برای تشکیل انجمن مرکزی مطابق قانون انتخابات دستور داده می شود در روز چهارشنبه ۲۴ اعضا انجمن مطابق نظام نامه معین اعلان انتخابات با اعضاء انجمن مرکز رسیده می شود که از روز ۱۷ محرم ۱۳۳۹ تا روز ۲۴ برای دادن تفرقه و از روز ۲۹ تا چهارم صفر برای اخذ آراء معین می شود شش شبه هم برای بلوگات تعیین می نمایند در موقعیکه قرار داده شده عمل نمایند و اخذ آراء شود صورت جدا گانه

هر يك مضبوط است مطابق اعلان منتشره اعضاء انجمن از روز ۲۹ شروع بانده آراء می نمایند و زوال ماه صفر از حکومت جلیله به توسط نظمه امر می شود که بر حسب

امر صادره از مرکز باید انتخابات توقیف تا مأمور مخصوص بنویسد تمام رفتار و کتابچه ها و صندوق بهر اعضاء انجمن موقوف نموده در اداره حکومتی توقیف می شود صندوق اسد آباد تحویل اداره ژاندارمری می نماید و پس از دوسه روز مرحوم بقاء الملك بعنوان مأمور مخصوص انتخابات وارد می شود بدو سه و استناد و کتابچه ها مراجعه می نماید موافق تلگرافاتی که در دوسه کابینه ریاست و وزراء عظام ملاحظه می شود از مرکز استفسار می شود که کاندید و کالت چه اشخاصی هستند مرحوم بقاء الملك رمزاً اشخاصی را که قلاً حائز اکثریت هستند اطلاع می دهد و تلگرافاتی از جریان انتخابات شکایت می نماید که این انتخابات مبتنی بر تهدید و تطمیع بوده و باید تجدید شود بدون اینکه در دوسه سند و دلیلی برای این مدعی دیده شود پیشنهاد می کنند که از مرکز امر شود که در شهر باید انتخابات تجدید شود و اهالی بلوک بیایند و در شهر تفرقه بگیرند و برای اینها تشکیل انجمن بدهند اهالی از این مسئله شروع بشکایت می نمایند که این امر مخالف قانون و ظلم است که از چند فرسخ در این زمان سخت بشهر بیاییم از مرکز امر می شود که در همانجا انجمن تشکیل و تفرقه داده شود بقاء الملك این امر را رد نماید و در مقام معارضه برمی آید که این اقدام برخلاف دستور بوده و باید مطابق همان پیشنهاد رفتار شود در شهر هم اعضاء انجمن مرکزی با این امر خلاف قانون که تجدید انتخابات باشد همراهی نمی کنند چندی طول می کشد بقاء الملك اجازه آمدن به مرکز می خواهد و امر انتخابات آنجا بحال و فقه باقی میماند تا در ماه ربیع الثانی ۱۳۴۰ در کابینه آقای نواب السلطانه از وزارت جلیله داخله امر می شود به حکومت همدان که اعضاء انجمن را حاضر و انجمن مرکزی تشکیل به اهالی که بوده خانه دهند از روز ۱۴ شهر ربیع الثانی تا روز ۲۹ در شهر شروع بقرائت آراء نموده پس از خانه آراء نتیجه این می شود که آقای حاج میرزا عبدالوهاب در مرتبه و درجه اول حائز اکثریت می گردند و ۱۳۳۹ رأی منتخب میشوند انجمن هم مراعات کفایت قانونی نموده و دو موقع مقرر برای استماع شکایات و اوردن جلسه خود را امتداد می دهند پس از قرائت دوسه اکثریت صحت جریان انتخاب و صلاحیت منتخبین تصدیق می نماید

رئیس - نسبت به این رایزورت مخالفتی هست یا نه؟

سلیمان میرزا - بنده با اطلاعاتی که از همدان بدست آورده ام با این رایزورت کاملاً مخالفم.

رئیس - پس جزء دستور جلسه پنجشنبه میشود دوفتخار پیشنهاد از طرف دولت رسیده یکی تقاضای ۲۱۴۰ تومان راجع به خارج تأسیس مخازن گمرکی در بندر قشم و دیگری راجع به برقراری یکصد تومان

مستمری درباره ورنه مرحوم آقا شیخ محمد جواد اولی بکسیسیون بودجه ارسال میشود

آقا میرزا محمد نجات - راجع بودنه مرحوم آقا شیخ محمد جواد چاپ شده است

رئیس - عرض کردم اولی به کمیسیون بودجه ارسال میشود چون اعلام نشده بود اول باید اعلام شود بعد به کمیسیون برود و قلاً قانون تغییر بودجه یکساله توشقان بیل مجلس مطرح است

(آقای ندین بشرح ذیل قرائت نمودند)

ماده واحده - مخارج مجلس شورای ملی از باب ۱۲ ماهه سنه توشقان بیل ۱۲۹۶ موافق ماده ۱ ضمیمه ۱ و بر طبق بودجه مصوبه مورخه نهم سنه ۱۳۳۰ مزبور مبلغ هشتاد و نه هزار و هشتصد و شانزده تومان و سه قران و نهصد دینار که از وزارت مالیه دریافت شده تصویب و تفریق میشود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - البته آقایان در نظر دارند در دوره سوم موقعیکه بودجه یکساله از مجلس گذشت يك حقوقی متساویاً برای نمایندگان معین شد در ضمن حوادث و انقلاباتی که در این مملکت پیش آمد مجلس تعطیل گردید و عده از آقایان نمایندگان مهاجرت و عده که در تهران توقف کردند و يك حقوقی هم مرتباً نا وقتی مجلس مفتوح بود نمایندگان داده شد حالا از این رایزورتی که آقای ارباب داده اند و همچنین از توضیحاتی که در یکی از جلسات دیگر فرمودند معلوم می شود بعد از تعطیل مجلس نسبت به حقوق نمایندگان تبعیض شده یعنی بر حسب تصویب نهادهای دولت های وقت يك حقوق مختلفی به نمایندگان داده شده است

اگرچه آقای ارباب کیخسرو در این خصوص مسئولیت ندارند زیرا این تبعیض و اختلاف بر حسب تصویب نامه ها و تصمیمات دولت بوده و به ایشان ربطی نداشته است لیکن از آقای ارباب کیخسرو تقاضا می کنم صورت آن تفاوتی را که آقایان نمایندگان گرفته اند بفرمایند تا به بیش چه اشخاصی زیاد حقوق گرفته اند و به کی ها کمتر دادند

حالا که ما بصورت این مجلس می خواهیم برای بنده هم اولاً خیلی از آقای ارباب کیخسرو تشکر داریم که حساب ایشان در کمال صحت و تمامیت و تمام نمایندگان از ایشان کمال رضایت را اظهار نمودند و اجزاء مستخدمین مجلس را در دوره فترت رسیده اند و ترتیبات اداری مجلس را با کمال خوبی پیشرفته اند نگاهداری کرده اند و نگهدارند مستخدمین و اجزاء مجلس ازین برود اگرچه حقوق مستخدمین و دولتهای وقت ملاحظه نکردند ولی علی ای حال به مصلای این نظر را دارم که چون در آن دوره حقوق نمایندگان را به تساوی تصویب کردیم حالا که می خواهیم تفریق کنیم و رای قسمت این محاسبه بدهیم چون مجلس از نمایندگان پنج شش برج زیاده تر از دیگران حقوق گرفته اند آیا باین ترتیب می توانیم برای همه این محاسبه بدهیم یا خیر؟

بنده سؤال می کنم که آقایان نمایندگان حق دریافت این حقوق را داشته اند یا نداشته اند؟ اگر حق داشته اند چرا بعضی گرفته اند و بعضی ننگرفته اند؟ اگر این اضافه که گرفته اند بعنوان حقوق نمایندگی بوده پس چرا جزو حساب مجلس نوشته شده است؟

آقا میرزا ابراهیم قمی مخبر کمیسیون محاسبات - کلیه نمایندگان از مهاجر و غیر مهاجر تا آخر برج عقرب سنه توشقان بیل کلیه حقوق هفت ماهه خود را دریافت کرده اند ولی بعد از مهاجرت و تعطیل مجلس بعضی از آقایان نمایندگان بر حسب تصویب نامه دولت تفریق بانصد تومان اضافه گرفته اند و بعضی دیگر ننگرفته اند حالا اگر عقیده آقای حاج شیخ اسدالله این است که به اشخاصی هم که ننگرفته اند باید داده شود آن مسئله دیگری است البته بنظر مجلس است و چنانچه صورت اسمی اشخاص را بخواهند حاضر است

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه نطق)

ارباب کیخسرو - راجع بسؤال آقای حاج شیخ اسدالله همان قسم که فرمودند اداره مباشرت موظف بوده است که مطابق بودجه مصوبه مجلس از دولت پول بگیرد و به نمایندگان به پرداخت و البته از نظرشان معوضه که در ۱۳۰۰ قوس پاریس بیل مرقع افتتاح مجلس سوم بوده تقریباً در اواخر برج عقرب توشقان بیل مجلس بحال تعطیل افتاد در آن موقع اگر چه عده زیادی از نمایندگان بیکار و معطل بودند و حقاً می بایستی مطابق بودجه مصوبه مجلس اداره مباشرت حقوق آنها را از دولت بگیرد و پس دزد و ولی دولتهای وقت صلاح ندانستند از این باب چیزی نادره کنند و فقط تا آخر برج عقرب آن سه مقرر آقایان را به اداره مباشرت دارند و اداره مباشرت بموجب اسناد خرجی که کمیسیون محاسبات ملاحظه کرد تماماً پرداخته است پس از آن در برج اسدلولی بیل که دهمه اول رئیس الوزرائی آقای وثوق الدوله بود بدون این که از اداره مباشرت درخواستی صادر شده باشد خودشان مبلغ ۵۰۰ تومان تقاضا به اداره مباشرت باسم یکصد از نمایندگان پرداخته و نوشته بودند نظر باینکه این عده از نمایندگان از مجلس خود خارج شده و در اینجا راه معاش ندارند بهر کدام بانصد تومان پرداخته شود - این چیز فوق العاده بود که رئیس دولت وقت خودش بعنوان اشخاص معینی داده بدون اینکه هیچگونه درخواستی و بانقضائی از اداره مباشرت صادر شده باشد و از اداره مباشرت هم مطابق همان دستوریکه آقای وثوق الدوله داده بودند بهر کدام بانصد تومان پرداخته و رسید آنرا هم گرفته و در اداره مباشرت ضبط است ولی در واقع شش هزار و بانصد تومان بوده است ولی آن وجهی که به اداره مباشرت پرداخته ۵۰۰ تومان بوده اظهار داشته که ۵۰۰ تومان هم آقای عدل الملك که یکی از نمایندگان بودند مستقیماً گرفته اند اما چون هیچگونه سندی از ایشان بدست اداره مباشرت نیامد که ثابت شود که این وجه بانصد رسیده و از این جهت

بنده سؤال می کنم که آقایان نمایندگان حق دریافت این حقوق را داشته اند یا نداشته اند؟ اگر حق داشته اند چرا بعضی گرفته اند و بعضی ننگرفته اند؟ اگر این اضافه که گرفته اند بعنوان حقوق نمایندگی بوده پس چرا جزو حساب مجلس نوشته شده است؟

این مبلغ جزو حساب اداره بانصد است - از این پنج هزار و بانصد تومان بخانواده سنتر از آقایان نمایندگان مهاجر یعنی بخانواده آقایان مساوات و تنکابنی و ده هزار قانی داده شده ولی نه از باب فوق العاده بلکه از باب مقرری سابقشان که طلب داشتند باقی ماند پنج هزار تومان که به اشخاص ذیل نفری بانصد تومان داده شد

آقای حاج شیخ محمد حسین یزدی - آقای مؤید الاسلام کرمانی - آقای آصف المالك - شاهزاده مرآت السلطان - آقای حاج میرزا حسین کرمانشاهانی - آقای آقا شیخ محمد نسیمی - آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی - آقای آقا سید اسدالله قزوینی - آقای حاج فضلعلی آقای قزوینی - آقای آقا سید اسدالله چهارسوقی این ده قسمت بود که پرداخته شده و يك قسمت هم در همین روز در برج حوت به آقای ملک اشعرا پرداخته شده اگر چه برای دریافت این پنج هزار و بانصد تومان اداره مباشرت بعداً درخواستی صادر نکرده و رد و فی الحقیقه وجهی بود که از خارج به آنجا رسیده است ولی چون توسط اداره مباشرت پرداخته شده بود از این جهت جزء حساب اداره مباشرت آمده است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه نطق)

سید یعقوب - بنده تقهیدم شرح دادن این که از دوره فترت آقای وثوق الدوله شش هزار تومان داده است در اینجا چه مورد دارد بجهت اینکه این کار در دوره فترت بوده است و ما که فعلاً می خواهیم مالیات زمامداران دوره فترت را در تحت مدافع و محاسبه بیاوریم يك اشخاصی در دوره فترت يك پولی گرفته اند ولی نقلاً مذاکره در آن موضوع از محل ما خارج است

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده می خواهم عرض کنم که هر چه مجلس تصویب کند و هر چه را که مجلس بیاورد تصویب شود البته خارج از موضوع نخواهد بود چه راجع بگذشته باشد و چه راجع به آینده ولی بنده این مطالب را می خواهم عرض کنم که سوء تفاهم نشود در آن وقتی که آقایان این مبلغ را باسم مساعده گرفتند قلاً مذاکره شده که آقایان نمایندگانی که چیزی ندارند کافعی بنویسند که بابت حقوق یا بتوان مساعده یا آنها پولی داده شود آن که گذر آورده اند که بنده هم اعضاء کنم بنده اعضاء نکردم زیرا در آنجا نوشته بود (از جهت فقر واضطرار) ما گفتیم اگر حقوق است باید بطور تساوی بدهیم نمایندگان داده شود و اگر حقوق نیست ساقط نیستیم و این وجه را نمی خواهیم پس به این قاعده معلوم میشود که حقوق نبوده زیرا فقط به اشخاصی که لازم بود اعانه کنند

رئیس - بعد از این توضیح آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟

(جمع گفتند کافی است)

حاج شیخ اسدالله - اجازه میفرمایند

رئیس - رأی می گیریم که مذاکرات کافی است یا نه - آقایان اینکه مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند

داده شد والا اگر حقوق بود مباشرت تمام افرادی که در آن زمان نمایند بودند بر حسب مقررات مجلس و قانون مصوبه آن دوره پرداخته شده باشد در این صورت مسلم است که این وجه ربطی به موضوع حقوق نداشته و يك مساعده از طرف دولت وقت بوده است و اختصاص بهمان یازده نفر دارد و دیگران هم متوقع نیستند

رئیس - مذاکرات در این خصوص صکافی نیست؟

(جمع گفتند کافی است)

ملک اشعرا - بنده توضیحی دارم

رئیس - چه فرمودید؟

ملک اشعرا - چون اسم بنده هم برده شده

می خواستم توضیحی بدهم

رئیس - بفرمایند

ملک اشعرا - بناسبت اینکه در ذکر جزو

اساسی آقایان اینکه بعنوان حقوق یا اعانه بانصد تومان گرفته اند اسم بنده هم برده شده ناچار قدری تصدیق بدهم - موقعیکه این وجه داده شد بنده در تهران نبودم و کابینه سیه سالار اعظم بندرها بخراسان تبعید کرده بودند و شش هفته در خراسان بعنوان تبعید بودم بعد از آنکه کابینه وثوق الدوله روی کار آمد بنده را احضار کردند و هر چه تقاضا کردم که در شهر مشهد بمانم گریا از برای ایشان بودن بنده در مشهد معظوری داشت و اعتراضاتی می شد که بنده در آنجا بمانم بهر حال بنده را احضار بطهران کردند و در همانجا دوست تومان بعنوان خرج مسافرت و کرایه کالسکه به بنده پرداخته و بنده را حرکت دادند در آنوقت آقای مشاور السلطانه نایب الولا یه مشهد بودند طهران هم که آمدم به بنده گفته شد که بهر يك از آقایان نمایندگان مستقیم تهران بانصد تومان بعنوان حقوق و کالت داده شده است این بود که بواسطه آقای عدل الملك سید تومان دیگر هم به بنده داده شد که با آن دوست تومان سابق مجوعاً بانصد تومان شدو گفتند این بانصد تومان از بابات حقوق و کالت است حالا آقای محمد هاشم میرزا میفرمایند که به بعضی داده شده و به بعضی داده نشده یا بنویسند دیگر بوده بنده خبر ندارم همینقدر برای اینکه بنده را در خراسان نگذارند بمانم و برای حکومت وقت معظورات سیاسی نداشته باشد بواسطه این حرکت دادن و یا از باب حقوق سابقه این مبلغ از طرف دولت به بنده رسیده حالا بعنوان حقوق نمایندگی بوده یا نبوده به بنده مربوط نیست

رئیس - بعد از این توضیح آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟

(جمع گفتند کافی است)

حاج شیخ اسدالله - اجازه میفرمایند

رئیس - رأی می گیریم که مذاکرات کافی است یا نه - آقایان اینکه مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند

رئیس - مذاکرات در این خصوص صکافی نیست؟

(جمع گفتند کافی است)

ملک اشعرا - بنده توضیحی دارم

رئیس - چه فرمودید؟

ملک اشعرا - چون اسم بنده هم برده شده

می خواستم توضیحی بدهم

رئیس - بفرمایند

ملک اشعرا - بناسبت اینکه در ذکر جزو

اساسی آقایان اینکه بعنوان حقوق یا اعانه بانصد تومان گرفته اند اسم بنده هم برده شده ناچار قدری تصدیق بدهم - موقعیکه این وجه داده شد بنده در تهران نبودم و کابینه سیه سالار اعظم بندرها بخراسان تبعید کرده بودند و شش هفته در خراسان بعنوان تبعید بودم بعد از آنکه کابینه وثوق الدوله روی کار آمد بنده را احضار کردند و هر چه تقاضا کردم که در شهر مشهد بمانم گریا از برای ایشان بودن بنده در مشهد معظوری داشت و اعتراضاتی می شد که بنده در آنجا بمانم بهر حال بنده را احضار بطهران کردند و در همانجا دوست تومان بعنوان خرج مسافرت و کرایه کالسکه به بنده پرداخته و بنده را حرکت دادند در آنوقت آقای مشاور السلطانه نایب الولا یه مشهد بودند طهران هم که آمدم به بنده گفته شد که بهر يك از آقایان نمایندگان مستقیم تهران بانصد تومان بعنوان حقوق و کالت داده شده است این بود که بواسطه آقای عدل الملك سید تومان دیگر هم به بنده داده شد که با آن دوست تومان سابق مجوعاً بانصد تومان شدو گفتند این بانصد تومان از بابات حقوق و کالت است حالا آقای محمد هاشم میرزا میفرمایند که به بعضی داده شده و به بعضی داده نشده یا بنویسند دیگر بوده بنده خبر ندارم همینقدر برای اینکه بنده را در خراسان نگذارند بمانم و برای حکومت وقت معظورات سیاسی نداشته باشد بواسطه این حرکت دادن و یا از باب حقوق سابقه این مبلغ از طرف دولت به بنده رسیده حالا بعنوان حقوق نمایندگی بوده یا نبوده به بنده مربوط نیست

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. حالا نسبت بماده واحده با قیام و قعود رأی می گیریم آقایانیکه ماده واحده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده. ماده واحده دیگری متعلق به مفارح ایام بین المجلسین است قرائت می شود. (آقای تدین بهضمون ذیل قرائت نمودند) ماده واحده - مفارح بینجاله مجلس شورای ملی در اوقات فترت از تاریخ اول حمل لوی سال ۱۲۹۵ الی آخر خرداد پانجمی لیل ۱۲۹۹ موافق مواد ۲ الی ۶ ضمیمه ۱ و بر طبق احکام دولت های وقت بمبلغ ۸۶۰۹۲ تومان یک هزار و سیصد و دوازده که از وزارت مالیه دریافت شده تصویب و توزیع میشود رئیس - نسبت به این ماده مخالفتی هست یا خیر؟

(اظهار مخالفتی نشد)

رئیس - مخالفتی نیست. رأی می گیریم آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند) رئیس - تصویب شده. رایورت حکمسیون راجع به آقا سید فاضل جزو دستور آورده ولی چون تقاضا شده است جزو دستور شود اگر مخالفتی نیست جزو دستور شود

(مخالفتی نشد)

رئیس - آقای صدرالاسلام راجع به آقا سید فاضل جزو دستور آورده ولی چون تقاضا شده است جزو دستور شود اگر مخالفتی نیست جزو دستور شود

در موضوع نسبتی که درج شده سزاره ایران به آقای آقا سید فاضل داده و مجلس شورای ملی مقتضی دانست کمیسیونی برای تحقیق در صحت و سقم موضوع تشکیل شود حسب الامر کمیسیون منظور تشکیل و نظر باینکه موضوع فقط نسبتی بود که در روزنامه ستاره ایران مندرج بود آقای میرزاخان صبا مدیر جریده مزبوره را دعوت و تقاضا شد اسنادی که در صحت آن نسبت دارند برای کشف حقیقت ارائه دهند آقای صبا اظهار داشتند چون سندی که در دست است یکی از ذی امر های ادارات دولتی داده و توجیه گرفته اند قاضی قانونی الزام نمیدانند آن سند را ارائه دهند علاوه این کمیسیون را هم صلاح برای قضاوت این امر می دانند باین جهت از دلائل جواب و ارائه آن سند میاورند ولی در ضمن یک سلسله مذاکرات خصوصی از مراکز رسمی را که مربوط بوزارتین داخل و مالیه بود معرفی کردند عقیده شان این بود در صورت مراجعه بآن مراکز شاید کمیسیون از ضرورت تحصیل سند دیگر بی نیاز باشد و اسامی اشخاص را هم متذکر شدند باین علیه بر طرف اظهارات ایشان از مجرای رسمی اداره تقنینیه مجلس بوزارتین معرفی نمودند

مرامع شد و بعد از معطلی ها و تکرار یادآوری بالاخره از وزارت داخله جوابی متضمن سواد رایورت اداره تأمینات نظمی رسیده است که تا حد تعقیقات خود نتوانسته اند در آن موضوع زمینه بدست آورند چون وزارت مالیه نیز مبنی بر آن برد از اسم اشخاصی که برده شد تعقیبات کرده اند ولی اظهار بی اطلاعی نموده اند از طرفی هم دو قطری مکتوب معهور بهور جماعتی از خیالها رسیده بود که این نسبت را تکذیب نموده بودند لهذا چون کمیسیون در حدود وظیفه خود راهی دیگر برای تکمیل تحولات ندارد و با مراتب مذکور کشف صحت و سقم این امر منوط بمحاکمه میباشد که از وظیفه کمیسیون خارج و موقوف برای نمایندگان معتمد است

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه نطق)

سلیمان میرزا - روزی که این مسئله در مجلس مطرح شد در روزنامه تعیین نکرده بود که این نسبت متعلق بکدام یک از نمایندگان است باین جهت از طرف مجلس کمیسیونی تعیین شد که باین مطلب رسیدگی کرده مطلع شود که این نسبت متوجه کدام یک از و کلاه است فردی آنروز خود روزنامه ستاره ایران تعیین کرد که این نسبت متوجه به آقای آقا سید فاضل است بنابراین اگر مطابق قانون اساسی بخواهند و کبلی را بدلیه دعوت کنند باید از مجلس شورای ملی اجازه بخواهند حالا اگر این رایورت از آن نظر نوشته شده است و مجلس بخواهد رأی بدهد برای این است که عدلیه داخل این موضوع شود این یک مسئله است آن وقت باید اصول رایورت طرز دیگر باشد چون بنده وظیفه خود را در رأی نمیدانم چیست و باینجه باید موافق باشم یا نه مخالف یعنی نمی دانم نتیجه برای چیست

آیا اگر رأی بدهیم اجازه داده ایم فردا آقا شریف بیرند عدلیه و یا آن کسی که این نسبت را در روزنامه درج کرده و یا آن ذی امری که در اینجا نوشته شده دو محکمه حاضر شوند و محاکمه نمایند اگر مقصود این است که بنده موافقت خواهم کرد و رأی خواهم داد زیرا با خود و یکدیگر که اراک گفته ام آنها از روی من این است که یک وقتی بینم در این ملک محاکمه بدون استناد باشد و در مقابل قوای قضائیه هیچ تقاوتی بین ذی نفوذ و ذی امر و شاهزاده و فقیر نباشد و آن ساعتی که این مطلب اجرا شود بتوانیم بگویم که آنروز بهترین روزهای مملکت است متأسفانه تا آنروز کسی بطور کامل باین آرزو نرسیده است (هرض نی کنم هیچ نرسیده باشد بطور کامل نرسیده باشد) و همیشه تریاک طوری است که بدست قزاق معکوم می شوند البته همه ما که این جا دویم نشسته ایم می خواهیم رأی که می دهیم یک اهمیتی پیدا کند البته اگر یک نسبت هائی بعد از یک روزنامه بدهد خصوصاً از این قبیل نسبت های جزائی باید بود و اخلاقاً موظف بدانیم که خودمان را بری انذمه بکنیم تا در این معنی که گفت می شود مجاس مقام و یکو از حلاله و کفایت فضای آن

حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم این موضوع محتاج برای باشد فقط یک کمیسیونی مجلس انتخاب کرد برای یک نسبتی که یکی از نمایندگان داده شده آن حکمسیون هم بر حسب وظیفه خود رایورتی نوشته و بمجلس تقدیم نموده البته آن فرمایشات که حضرت والانیت بمحاکمه و تعقیب مسئله فرمودند بنده هم تصدیق میکنم مسلم است برای کشف قضیه این مسئله باید بهای رجوع شود و مجلس و کمیسیون نمی تواند کشف قضیه را بشاید باید محاکمه عمومی معاکمه کرده و باین امر رسیدگی کنند و برای رفع اشتباه عرض میکنم که با آقای آقا سید فاضل یک نسبتی داده شده و مجلس هم از این نسبتی که بایشان داده شده خیلی متأسف است ولی خود ایشان موظف هستند برای تریه خودشان که محکمه عمومی نسبت دهند را تعقیب کنند در صورتیکه تریه شده باید نسبت دهند مجازات شود و بنده بهیچوجه لازم نمی دانم در اطراف این مسئله مذاکرات زیادی شود این رایورتی است که کمیسیون داده و حل این قضیه کاملاً باید در محکمه جراه بشود

رئیس - چرا مذاکره لازم ندارد اگر

مذاکره نشود بنده نمی دانم بچه رأی بگیرم اگر می خواهید بگویند محاکمه نشود لازم باستجاره مجلس نیست و اگر بگویند باید محاکمه بشود قبلاً باید سلب مصونیت شود و در این صورت مجلس باید رأی بدهد الا با این ترتیب نمی شود رأی گرفت

آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - اینکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بنده توجهی برایورت بکنم گمان میکنم که باید خودشان توجه بکنند رایورت را بدقت خوانند و یک دفعه دیگر هم می خوانم تا ایشان متوجه بشوند در خصوص رایورت می نویسد (لذا چون کمیسیون در حدود وظیفه خود راهی دیگر برای تکمیل تحولات ندارد و با مراتب مذکور کشف صحت و سقم این امر منوط بمحاکمه میباشد که از وظیفه کمیسیون خارج و موقوف برای نمایندگان معتمد است) بر یکمی نویسد موقوف برای نمایندگان معتمد است و همانطور که آقای رئیس فرمودند بنده میخواهم بفهم بچه باید رأی داده شود و حالا که رأی می دهیم می خواهیم از روی توجه رأی بدهیم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرض می کنم اینکه کمیسیون می گویند حق قضاوت ندارد ما هم تکفیم کمیسیون قاضی عدلیه باشد و بین حق و باطل را تمیز بدهد ولی باید یک مطلبی را که رجوع بکمیسیون می کنند بفهمد و در آن مسئله تحقیق بکند و بجای رایورت بدهد کمیسیون از وزارت داخله و وزارت مالیه و تأمینات تحقیق کرده و باید عقیده خود را بیان کند بعد عقیده کمیسیون که بمجلس آمد یا مجلس رأی می دهد که بمحاکمه برود یا رأی می دهد که آقای معبر رایورت را پس گرفته تجدید نظر کند بنابراین بنده تقاضا می کنم آقای معبر رایورت را مسترد بدارند و تجدید نظری بکنند و یک رایورتی بمجلس بفرستند که نمایندگان بتوانند در آن رأی بدهند کمیسیون یک مسئله را بطور اجمال بیان کرده مسئله مجمل را بطور می شود در مجلس محل شود قرار داده و بآن رأی داد

رئیس - آقای نصیر السلطنه

(اجازه)

نصیر السلطنه - بنده در زمینه فرمایشات آقای آقا سید یعقوب نمی توانم چیزی عرض کنم ولی خاطر نشان و ابداً کرات جلسات قبل مجلس متوجه می کنم که کمیسیون صالح برای قضاوت نیست بنابراین تصدیق خواهند فرمود که کمیسیون در صورتیکه برای تشخیص یک قضیه معین شده باشد دیگر نمی تواند در آن مسئله قضاوت کند بنابراین در این جا هم بهمان فلسفه کمیسیون نمی توانست اظهار عقیده کند و باین مناسبت موقوف برای نمایندگان نبود و چنانچه در رایورت هم ذکر شد آقای میرزا حسین خان صبا متکلی هستند بسندی که در دست دارند و می گویند یکی از ذی امر های

ادارات دولتی داده است که از ارائه آن سند متعذر هستند چون اگر نسبت یک نماینده مجترمی توهینی وارد شود ناچار باید تعقیب نمود و از طرفی کمیسیون صالح نبود این مسئله را کاملاً تعقیب یا قضاوت کند و باینجهت موقوف برای مجلس معتمد مقرر شده است

رئیس - آقای نصرت الدوله

(اجازه)

نصرت الدوله - بنده باین دارم که همه آقایان تصدیق خواهند فرمود که اساساً مذاکرات در این موضوع فوق الداده محل تأسف است ولی فعلاً چون این مذاکرات دوین آمده بدهم ناچار از نقطه نظر حقوقی و قانونی نکات کار را رعایت کرده و عرض میکنم اصلاً با فرمایشاتی که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند کاملاً موافق ولی تصور می کنم کمیسیون غیر از آنچه کرده توانسته باشند کار دیگری بکنند علی الخصوص چنانچه تذکر داده شد این کمیسیون وقتی معین شد که اسم آن نماینده که این نسبت باو داده شده بود معلوم نبود و کمیسیون برای کشف مورد نسبت معین شد ولی حالا چیزی را که بنده می خواهم تذکر بدهم این است که بجز در یک نسبتیکه یک نفر مدیر روزنامه در روزنامه خود درج کرده و بگوید سندی در دست هست و آنرا ارائه نمی دهیم بنده تصور می کنم مجلس شورای ملی بتواند آن ماده قانون اساسی را که راجع بمصونیت وکیل است اجرا نکند

در قانون مصرح است که در هر موقع ادارات و دلالی نسبت یک قضیه در باره یکی از نمایندگان ثابت و مسلم شد و از مجاری صالحه تقاضای سلب مصونیت شد مجلس از آن نماینده سلب مصونیت میکند بجز در نسبت بدون دلیل اما از آن طرف هم تصدیق دارم که از نقطه نظر حفظ حیثیات نماینده که طرف این نسبت واقع شده حیثیتی که باحیثیت همه معظاران و همکاران ایشان که در مجلس هستند توأم است (این قضیه بدون کشف نمی تواند بیاند به این ملاحظه از نقطه نظر جمع بین قانون اساسی و حادثه واقعه آنچه بنظر میرسد این است که ما امروز در یک مرحله مقدماتی هستیم زیرا این مطلب بدون این که مدعی و عارض خصوصی داشته باشد نمی تواند بمحاکمه خود برود مورد این نسبت که عریضه جزائی نداده و دهنده این نسبت هم برای صرف خود عریضه نداده است پس حل این قضیه چگونه می شود

در مرحله مقدماتی حل این مسئله این طور است که مجلس به پیکار و اداره مدعی العموم امر کند که یک چنین قضیه بمان آمده آنرا تعقیب و قضیه را کشف کند پس از آنکه مدعی العموم تعقیب کرده و بوظیفه خود رفتار نمود اگر دلائل کافی و ظن قوی نسبت به نماینده پیدا کرد آنوقت باید از مجاری دولت مطابق قانون اساسی سلب مصونیت وکیل از مجلس تقاضا شود حالا این طرز را چه صورت باید در آورد و چه لایسی باید بخواهید چون بنده مسبوق نبودم نتوانستم فکر کنم و عبارتی برای این امر پیدا کنیم

ولی مطلب همین است دیگر منوط است بنظر آقایان نمایندگان

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده این مطلب را که عرض کردم (مجلس نمیتواند رأی بدهد) رایورت را هم خوانده بوده در این جا یک نسبتی یکی از نمایندگان داده شده است و همانطور که شاهزاده نصرت الدوله فرمودند اگر کسی اقامه دعوائی نسبت بیک نماینده بکند و دلائل قوی در دست داشته باشد مدعی العموم از مجرای قانون از مجلس تقاضا می کند که سلب مصونیت از آن نماینده بشود از طرف مدعی العمومی که تقاضا نشده خود ایشان هم که عرض حال نداده اند حالا مجلس بطور می تواند بگوید آقای وزیر این مسئله را تعقیب کن این نمی شود مگر این که خود آقای آقا سید فاضل عرض حال بدهند و مدعی العموم این مسئله را تعقیب کند

یک نفر در روزنامه یک تهمت نسبت بیک نفر از نمایندگان درج کرده و آن نماینده را مضطرب کرده است حالا وظیفه این نماینده است که در محکمه جراه این مسئله را تعقیب کند بعد از آن اگر هر آینه محکمه در ضمن رسیدگی در کیفیات قضیه درباره آن نماینده مطمئن شد از مجلس تقاضای سلب مصونیت می نماید هنوز آن قدم اول برداشته نشده است و بعداً وظیفه شخص آقای آقا سید فاضل است که عرض حال جزائی بدهند و اگر غیر از این باشد ما بهیچوجه نمی توانیم رأی بدهیم

رئیس آقای آقا سید فاضل

(اجازه)

آقا سید فاضل - در موقعیکه مدیر روزنامه ستاره ایران این نسبت موهوم بی اساس را پینده داده بنده خیلی از آقایان نمایندگان ممنون شدم که پیشنهاد تشکیل کمیسیون کردند تا مسئله تعقیب و کشف شود و عقیده بنده این بود این پنج نفری را که مجلس برای رسیدگی معین کرد صلاحیت از برای کشف قضیه دارند و میتوانند مطلب را تعقیب کرده و حقیقت را کشف نمایند حالا معلوم شده است که مدیر ستاره ایران از نقطه نظر غرض دانی و حسادت و یک مسئله اغراض باطن در کمیسیون اظهار داشته که این کمیسیون را صالح ندانم

اگر غرض نداشت ممکن بود سندی را که دعوی می کنند غیر رسم بر رئیس مجلس یا رئیس کمیسیون ارائه دهد علی حال چون کمیسیون این قسم رایورت را داده بنده خود از مجلس تقاضا می کنم که امر کنند مدعی العموم این مسئله را تعقیب کند تا همه بدانند که این نسبت حرف دروغ و تهمت محض بوده است و قضاوت آنرا واگذار می کنم با افکار عمومی ملت ایران و اهالی طهران بجهت این که می دانم این مسئله بدون مدرک و کتب محض است زیرا اگر کسی می خواست پول بدهد می دانست یکی باید بدهد نمی آمد